بسم الله الرحمن الرحیم

زره بزرگ

ترجمه دعای جوشن کبیر

مسعود ریاعی

دهم رمضان ۱۴۳۱

عنوان قراردادی	:	دعای جوشن کبیر. فارسی- عربی
عنوان و نام پدیدآور	:	زره بزرگ: ترجمه دعای جوشن کبیر / مسعود ریاعی.
مشخصات نشر	:	تهران: عصر کنکاش، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری	:	۱۲۷ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۵۵۴۸-۲۱-۱
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	فارسی- عربی
موضوع	:	دعای جوشن کبیر
شناسه افزوده	:	ریاعی، مسعود، ۱۳۴۲-
رده بندی کنگره	:	۱۳۸۹ ج BP ۲۶۸/۴۰۴۱
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۷۷۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۱۰۷۵۱۶

انتشارات علمی، فرهنگی و آموزشی

عصر کنکاش

◀ عنوان کتاب:	زره بزرگ
◀ مولف:	مسعود ریاعی
◀ صفحه آرا:	ساغر ابوالقاسمی
◀ طرح جلد:	محسن رضایی
◀ چاپخانه و صحافی:	آرین
◀ نوبت چاپ:	اول
◀ شمارگان:	۵۰۰نسخه
◀ قیمت:	۳۵۰۰ تومان
◀ نشانی:	تهران- خیابان شریعتی- کمی بالاتراز سه‌راهی‌میرداماد-بن بست شریفی-پلاک ٤-واحد٦
◀آدرس الکترونیکی:	www.asrekankash.ir
پست الکترونیکی:	asrekankash@gmail.com
◀ تلفن:	٦٦٩٠٧٣٩٤- ١٥ ١٠ ٩٠ ٢٢
◀ سال چاپ	۱۳۹۰

کلیه حقوق این کتاب برای ناشر محفوظ است.

یک سخن ...

شما هر چیز را که "یاد" کنید به واقع اجازه داده اید که آن در وجود شما زندگی کند و شما در وجود آن!

این یک تبادل حیاتی بین ذاکر و مذکور است که به واسطه حلقه "ذکر" میسر می گردد. و چون ذکر، جان جانان باشد، حیات نیز حیاتی جانانه است. پس ببینید به یاد چه هستید، به چه مشغولید، چه چیز لحظه های عمر شما را می خورد، یاد چه کسی شما را در خود فرو برده است، پس همان از آن شماست و شما از آن او!

هوشیاری کنید و خودتان را به چیز کم نفروشید. یادهای سخیف و بی ارزش، شما را بی ارزش می کند و یادهای بزرگ، شما را عظمت می بخشد. یاد "اعلی" و "عظیم" کنید. خالق هستی را بیاد آورید تا تجارتی سودمند کرده باشید. بگذارید با یادی خالصانه، خدا در وجود شما زندگی کند و شما در وجود او!

این همان "وحدتی" است که شما را جاودانگی می بخشد. اصلاً معنای "موحد" همین است.

خداوند حقیقت و حیات مطلق است وقتی او را به یاد آورید به واقع، حقیقت حوزه وجودی خود را گسترش داده اید و از مراحل عدیده حیات بهره مند گشته اید. با یاد خداوند، این حیات شماست که گسترش می یابد! غیر از این باشد زندگی شما، تنگ و خفقان آور خواهد بود و این چنین شخصی در زندان تنگ و تاریک خود، هر لحظه مردن و محو شدن را تجربه خواهد نمود.

اگر شما اجازه ندهید تا خداوند به واسطه یادی که از او می کنید در شما زندگی کند چه طور انتظار دارید که خداوند به شما اجازه دهد تا در بهشت او زندگی کنید؟! پس از یاد خدا غافل نباید شد.

یاد خدا رمز زندگی است و سِرِّ جاودانگی در آن نهفته است.

م.ر

باسمه تعالی

مقدمه ضروری

از آنجا که علم به «اسماء الهـی» از شـریفترین علـوم بـاطنی اسـت، همـواره بزرگان معنویت، اهتمام خاصی به دعای جوشن کبیر داشته انـد. ایـن دعـای شریفه که از آموزه های جبرائیل(ع) به پیامبر اسـلام(ص)اسـت دارای یکصـد فصل بوده که هرفصل شامل ده اسم از اسماء الهی است. یعنی مجموعاً هـزار اسم را شامل می شود.

این«اسماء» الفاظ صرف نیستند بلکه وجود هایی قدرتمند و با قداست اندکـه هرکدام طبق معنا و محتـوای خـویش، دسـت انـدر کـار آفـرینش و اداره آن هستند.

«اسماء» تجلیات آن ذات یگانه هستی بخش اند که چون اشعه های تابنـاک، از منبعی واحد سرچشمه گرفته اند. هر انسان با شاخصه باطنی اش، به یکـی از این انوار تابناک قدرتمند متصل است. به تعبیـری هـر انسـان از «اسـمی» آمده و به همان اسم بر می گردد. این بدان معنی است که هـرکس «جریـان ربوبی» خاصی دارد. و از این طریق است که پرورش الهی خـویش را دریافـت می کند. و از آنجا که معانی اسماء متفاوت و حتی گاه متضاد اسـت، خُلـق و خوی انسان ها و تقدیرات شان نیز متفاوت می نماید.

طبق آموزه های قرآن، انسان باید «ربّ خود» را بشناسـد و از جریـان رّبـوبی خویش مطلع باشد. که اگر چنین شود این همان انسان قرآنی است.

فَاعبُد رَبّک: رب خود را بنده باش.

إرجِعی الی رَبک: به سوی رب ات بازگرد.

إنی مُهاجرٌ الی ربّی : من به سوی رب ام مهاجرم

فَمن یؤمن بِرَّبه فَلا نَخافُ بَخساً و لارَهقا: هرکس به رب اش ایمان آورد نه از کمبود بترسد و نه از ستم.

عَسی رَبّی أن یَهدیَنی: امید آنکه رب من مرا هدایت کند.

البته این«ربّ» اسم دارد و فهمیدن و دریافت این اسم همان «ذکرخاص» است که از دیرباز آرزوی هر سالکی بوده است. قرآن حتی این نکته را به پیامبر(ص) گوشزد می کند. و می فرماید:

إقرأ بِاسمِ رَبِّک: بخوان به اسم ربّ ات.

آری این ربّ «اسم» دارد و باید با اسم اش، «ذکر» شود. این ذکر خاص برای هر سالک یک «رمز ویژه» محسوب می گردد.

پس هر سالک دارای رمز ویژه خویش است که با آن باب طی طریق را می گشاید و شاهد بروز کرامات الهی می گردد. انسانی که «ربّ اش» را شناخت، تکلیف اش روشن است و کارش آسان. چنین انسانی، که ام و چه ام و کجایم، از وجودش رخت بربسته است. او اکنون یک نیروی فعال و مورد اعتماد الهی است. از اینرو از دیرباز همواره به اسماء الهی توجه تام مبذول داشته اند و تلاش می نمودند تا با استفاده از شیوه های مختلف از جمله روش های عددی و حروفی ، بدین«ذکر» دست یابند. باید گفت که چنین شیوه هایی بسیار خاص بوده و نیازمند یک استاد تمام عیار الهی است. زیرا اینگونه محاسبات دقیق، بر خلاف تصور بسیاری ، مفروضات زیاد داشته و کار

هرکسی نیست. از سوی دیگر جمع کثیری از مشـتاقان از چنـین محاسـباتی بی بهره اند. و دست یابی به این گونه شیوه ها عمومیّت نداشته و ندارد.

بدین سبب در این مجال شیوه «مفهومی» که یکی از بهترین روش های استخراج «نام آسمانی» است توصیه می گردد. بنابراین روش، انسان آنگاه که خود را بشناسد رب خویش را خواهد شناخت «**من عرف نفسه عرف ربه**».

در شیوه مفهومی، سالک پس از شناخت صفات و قابلیت های اصلی خود، به دقت به معنا و مفهوم اسماء می نگرد تا در یابد بطور بارز برخودار از محتوای کدامیک از آنهاست. و چه میزان از شخصیت وجودی اش تحت اِشراف این و یا آن اسم است.[1]

اکنون دعای شریفه جوشن کبیر به فارسی روان برگردانده شده، تا علاوه بر استفاده همگان از برکات دعا و آشنایی با اسماء ، بتوانند بر اساس شیوه «مفهومی تطبیقی» ، ذکر هم ارتعاش با وجود خویش را دریابند.و هرکسی بفهمد ویژگی اصلی اخلاقی اش در معنای کدامیک از اسماء متبلور است. آیا او انسانی انتقام جو و برخوردار از قدرت انتقام گیری است و این صفت وجه بارزر زندگی اوست؟ آیا او مستقیماً به « شدید الانتقام» متصل است؟ آیا او انسان بخشنده ای است که بخشندگی اش را نسبت به همه، چه عام و چه خاص، آن هم بدون تبعیض روا می دارد و تحت اسم «رحمن» عمل می کند؟ آیا صفت بارز و اصلی او، علم گرایی و دانستن علل و ریشه هاست و در پیوند با اسم «علیم» است؟ آیا او به شدت اهل تسامح و تساهل است و

۱-انسان باید برخورداری از محتوای اسماء را در وجود خویش به توازن برساند، بی عیب و نقص بوده و از «اسم رب اش» برای انجام ماموریتی که برای آن آمده مدد جوید.

همواره کار و بارش با «ارحم الراحمین» است؟ آیا او آدم حسابگری است؟ و باقدرت و سرعت، هر چیزی را محاسبه کرده و دسته بندی می نماید و «سریع الحساب» بیش از هر اسم دیگری بر روند زندگی اش سایه انداخته است؟ آیا او ظاهرگراست و یا به شدت درون گرا است؟ آیا او اهل پوشاندن عیوب دیگران است و یا از آنهاست که برملا کننده اند؟ آیا او انسان «خلاقی» است و دست به هرکاری که می زند خلاقیت از او می بارد؟ الی آخر.....

نام های مقدس خداوند بسیار قدرتمند اند و شما با ذکر آنها می توانید خود را به سرعت از وضعیتی به وضعیت دیگر درآورید. و حتی می توانید موقعیتی را به موقعیت دیگر تبدیل کنید و چون این کار از اعلی درجه درون یعنی «عالم امر» انجام گیرد بی شک ماده یعنی «عالم خلق» ناچار به اطاعت است. پس تو با ذکر الهی یعنی دمیدن نام های قدرتمند الهی بروجود خود و جذب نیروهای لایتناهی، از آنها بهره جسته ای . و هر چه این بهره مندی عمیق تر شود پدیده ها رام و رامتر می گردد. و این چنین است که « **سَخَّرلَکُم ما فی السّمواتِ وَ ما فی الأرض**» تحقق می یابد. «ذکر» در حقیقت یک نعمت و برکت تمام است که از سوی ذات حق تعالی به انسان هدیه شده است. یک راه نزدیک و مستقیم.

قرآن کریم خود «ذکر» است و مملو از اذکار. حتی ذکر شما نیز در آن است « **فیهِ ذِکُرکُم**». پس ذکر خود را از این مائده آسمانی برگیرید که کار خود آسان نموده اید و فهم و درایت خویش را به کائنات اعلام کرده اید.

آنچه که طعام شماست نیروهای شگرف نهفته در اسماء الهی است «**وَ فِی السماءِ رِزقکُم وَ ما تُوعَدوُن**». و چون این نکته را به حق دریافتی با ذکری

فهیمانه ، تمام این نیروهای شگرف را در راه رشد و تعالی آزاد نموده ای. از ذکری نمی گویم که بر زبانت جاری است هر چند این نیز ذکر است .از ذکری نمی گویم که در ذهنت جاری است هرچند این نیز ذکر است. از ذکری نمی گویم که حتی در قلبت جاری است. هر چند این نیز مرتبه ای بلند از ذکر است. بلکه از ذکری می گویم که فقط «مذکور» می درخشد و تو حتی دیگر وجود خود را احساس نمی کنی و به یاد نمی آوری که خواسته ات کدام بوده است! این ذوب در ذکر است و اوج قدرت نمایی ذکر. «این مجرای حق شدن است».

وقتی کار بدین جا رسد، ذکر خاص تو، از درون و گاه از بیرون بر تو القاء می شود و تو هویت الهی خویش را باز می یابی و آن حقیقتی را که فراموش کرده ای به یاد می آوری. این چنین که شد اکنون صاحب اسمی و این اسم به واقع همان«اسم آسمانی» توست. این همان رمز عبور است که به تو عطا گشته است. اکنون تو هم خود را می شناسی هم رب ات را! سیستمِ هوشمند هستی نیز این را دریافته است.

حال با دقت به هر بخش دهگانه از دعای یکصد قسمتی جوشن کبیر بنگر!

من الله التوفیق و علیه التکلان

م.ر

ذکر خود را از میان اسماء الهی بیابید

* به مفهوم اسماء توجه کنید

* به قابلیت های خود توجه کنید

آنگاه اسم هم ارتعاش با ارتعاش وجودی خود را بیابید. مکرر کنید و آن را در وجودتان جاری سازید. و چون این شود شما خود را با آسمان گره زدیده اید و که ام و چه ام از وجودتان رخت برخواهد بست. قدرت اسماء الهی را اینچنین در وجودتان به ظهور رسانید.

۱

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا اللَّهُ یَا رَحْمَانُ یَا رَحِیمُ یَا کَرِیمُ یَا مُقِیمُ یَا عَظِیمُ یَا قَدِیمُ یَا عَلِیمُ یَا حَلِیمُ یَا حَکِیمُ سُبْحَانَکَ یَا لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ یَا رَبِّ

خداوندا ! از تو به نامت خواهانم . ای خدا . ای بخشایشگر. ای با رحمت . ای بخشـنده . ای پاینـده . ای بـزرگ . ای دیرینه . ای دانا . ای بردبار. ای حکیم .

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٢

يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ يَا وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ يَا غَافِرَ الْخَطِيئَاتِ يَا مُعْطِيَ الْمَسْأَلاتِ يَا قَابِلَ التَّوْبَاتِ يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ يَا دَافِعَ الْبَلِيَّاتِ

ای سرور سروران . ای اجابت کننده دعاها . ای بالا برنـده درجـات. ای دوسـتدار نیکـی هـا . ای گذشـت کننـده از خطاها . ای عطاکننده درخواست ها. ای قبول کننده توبه ها . ای شنونده نداها . ای دانای نهان هـا . ای دورکننـده بدی ها.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۳

يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ يَا خَيْرَ الْفَاتِحِينَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ يَا خَيْرَ الْحَاكِمِينَ يَا خَيْرَ الرَّازِقِينَ يَا خَيْرَ الْوَارِثِينَ يَا خَيْرَ الْحَامِدِينَ يَا خَيْرَ الذَّاكِرِينَ يَا خَيْرَ الْمُنْزِلِينَ يَا خَيْرَ الْمُحْسِنِينَ

ای بهترین آمرزندگان. ای بهترین گشایشگران. ای بهترین یاوران. ای بهترین حاکمان. ای بهترین روزی دهندگان. ای بهترین وارثان. ای بهترین ستایندگان . ای بهترین به یاد آورندگان . ای بهترین نازل کنندگان. ای بهترین نیکو کاران.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٤

يَا مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ وَ الْجَمَالُ يَا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَ الْكَمَالُ يَا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ وَ الْجَلالُ يَا مَنْ هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ يَا مُنْشِئَ السَّحَابِ الثِّقَالِ يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ يَا مَنْ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْعِقَابِ يَا مَنْ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ يَا مَنْ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ

ای که اقتدار و زیبایی از آن توست. ای که توانایی و کمال از آن توســت. ای کــه فرمــانروایی و شــکوهمندی از آن توست. ای آنکه بزرگی و برتری . ای پدید آورنـده ابرهـای بـاران زا. ای مطلـق نیرومنـدی. ای آنکـه حسابرسـی ات سریع است. ای آنکه مجازاتت سخت و طاقـت فرساسـت. ای آنکه بهترین پـاداش هـا نـزد توسـت. ای آنکـه کتـاب بنیادین نزد توست.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۵

اللَّهُمَّ إِنِّی أسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ یَا دَیَّانُ یَا بُرْهَانُ یَا سُلْطَانُ یَا رِضْوَانُ یَا غُفْرَانُ یَا سُبْحَانُ یَا مُسْتَعَانُ یَا ذَا الْمَنِّ وَ الْبَیَانِ

خداوندا! از تو به نامت خواهانم. ای پذیرا. ای که بدون درخواست، بخشنده ای. ای واضع دین. ای دلیل آشکار. ای فرمانروا. ای مایه خشنودی. ای اصل آمرزش. ای مرکز پاکی. ای کانون یاری دهندگی . ای صاحب برکات و روشنگری.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٦

يَا مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ يَا مَنِ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ يَا مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ يَا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ يَا مَنِ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ خَشْيَتِهِ يَا مَنْ تَشَقَّقَتِ الْجِبَالُ مِنْ مَخَافَتِهِ يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ بِأَمْرِهِ يَا مَنِ اسْتَقَرَّتِ الْأَرَضُونَ بِإِذْنِهِ يَا مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ يَا مَنْ لا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ

ای که همه چیز در برابر بزرگی ات، متواضع است. ای کـه همه چیز در برابر قدرت ات، تسلیم است. ای که همه چیز

در برابر عزتت، ذلیـل اسـت. ای کـه همـه چیـز در برابـر هیبتت، رام است. ای که همه چیز از بـیم تـو فرمـانبردار است. ای که کوهها از هراست شکافته اند. ای که آسـمانها به فرمانت بر افراشته اند. ای کـه زمـین هـا بـه اجـازه ات استقرار یافته اند. ای که رعد به حمـدت تسـبیح گوسـت. ای آن که بر مخلوقاتش ستم نمی کند.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۷

یَا غَافِرَ الْخَطَایَا یَا کَاشِفَ الْبَلایَا یَا مُنْتَهَی الرَّجَایَا یَا مُجْزِلَ الْعَطَایَا یَا وَاهِبَ الْهَدَایَا یَا رَازِقَ الْبَرَایَا یَا

قَاضِيَالْمَنَايَا يَا سَامِعَ الشَّكَايَا يَا بَاعِثَ الْبَرَايَا يَا مُطْلِقَ الْأُسَارَى

ای آمرزندهٔ خطاها. ای برطـرف کننـدهٔ گرفتـاری هـا. ای نهایت امیدها. ای بسـیاردهندهٔ بخشـش هـا. ای بخشـندهٔ هدایا. ای روزی دهندهٔ مخلوقات. ای برآورندهٔ آرزوهـا. ای شنوای ناله ها. ای برانگیزاننده موجـودات. ای آزاد کننـدهٔ در بند شدگان.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۸

يَا ذَا الْحَمْدِ وَ الثَّنَاءِ يَا ذَا الْفَخْرِ وَ الْبَهَاءِ يَا ذَا الْمَجْدِ وَ السَّنَاءِ يَا ذَا الْعَهْدِ وَ الْوَفَاءِ يَا ذَا الْعَفْوِ وَ الرِّضَاءِ يَا ذَا

الْمَنِّ وَ الْعَطَاءِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَ الْقَضَاءِ يَا ذَا الْعِزِّ وَ الْبَقَاءِ

يَا ذَا الْجُودِ وَ السَّخَاءِ يَا ذَا الْآلاءِ وَ النَّعْمَاءِ

ای صـاحب سـپاس و سـتایش. ای صـاحب سـرافرازی و شکوه. ای صاحب بزرگی و بلنـد مرتبـه گـی. ای صـاحب عهـد و وفـاداری. ای صـاحب گذشـت و خشـنودی. ای صاحب بخشش و عطا. ای صـاحب حکمیّـت و داوری. ای صـاحب ارجمنـدی پاینـدگی. ای صـاحب سـخاوت و بخشندگی. ای صاحب نعمت های عام و خاص.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۹

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا مَانِعُ یَا دَافِعُ یَا رَافِعُ یَا صَانِعُ یَا نَافِعُ یَا سَامِعُ یَا جَامِعُ یَا شَافِعُ یَا وَاسِعُ یَا مُوسِعُ

خداوندا! از تو به نامت خواهانم. ای باز دارنده از بـدی هـا. ای دورکنندهٔ بلایا. ای بالا برندهٔ نیکی ها. ای سـازنده. ای نفع رساننده. ای شنوا. ای جمع کنندهٔ همه در قیامت. ای شفاعت کننده. ای وسعت بخش نعمت ها. ای گسـترانندهٔ نیکی ها.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۱۰

يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ يَا خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ يَا رَازِقَ كُلِّ مَرْزُوقٍ يَا مَالِكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ يَا كَاشِفَ كُلِّ مَكْرُوبٍ يَا فَارِجَ كُلِّ مَهْمُومٍ يَا رَاحِمَ كُلِّ مَرْحُومٍ يَا نَاصِرَ كُلِّ مَخْذُولٍ يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ يَا مَلْجَأَ كُلِّ مَطْرُودٍ

ای سازندهٔ هرچـه سـاخته شـده اسـت. ای خـالق همـه مخلوقات. ای روزی دهندهٔ همه روزی خـواران. ای مالـک همه موجودات. ای برطرف کننـده رنجهـای رنجـوران. ای راحتی بخش غمگینان. ای دلسـوز دلسـوختگان. ای یـاور شکست خوردگـان. ای پوشـانندهٔ عیـب هـا. ای پنـاه بـی پناهان .

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

١١

يَا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي يَا رَجَائِي عِنْدَ مُصِيبَتِي يَا مُونِسِي عِنْدَ وَحْشَتِي يَا صَاحِبِي عِنْدَ غُرْبَتِي يَا وَلِيِّي عِنْدَ نِعْمَتِي يَا غِيَاثِي عِنْدَ كُرْبَتِي يَا دَلِيلِي عِنْدَ حَيْرَتِي يَا غَنَائِي عِنْدَ افْتِقَارِي يَا مَلْجَئِي عِنْدَ ضْطِرَارِي يَا مُعِينِي عِنْدَ مَفْزَعِي

ای تـوان و توشـه ام هنگـام سـختی. ای امیـدم هنگـام گرفتاری. ای مونسم هنگام وحشت. ای همـدمم و هنگـام بی کسی. ای سرپرستم هنگام برخورداری. ای فریاد رسـم هنگام بلا . ای راهنمایم هنگام حیـرت. ای ثـروتم هنگـام نداری. ای پنـاهم هنگـام پریشـانی. ای دسـتگیرم هنگـام کمک خواهی.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۱۲

يَا عَلامَ الْغُيُوبِ يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ يَا سَتَّارَ الْعُيُوبِ يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ يَا طَبِيبَ الْقُلُوبِ يَا مُنَوِّرَ الْقُلُوبِ يَا أَنِيسَ الْقُلُوبِ يَا مُفَرِّجَ الْهُمُومِ يَا مَنَفِّسَ الْغُمومِ

ای دانای نهان ها. ای آمرزندهٔ گناهان. ای پوشانندهٔ عیب ها. ای برطرف کنندهٔ رنج ها. ای دگرگون کنندهٔ قلب ها. ای طبیب قلب ها. ای روشنی بخش قلب ها. ای آرامش بخش قلب ها. ای گشایشگر اندوه ها. ای زداینده غمها.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۱۳

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا جَلِیلُ یَا جَمِیلُ یَا وَکِیلُ یَا کَفِیلُ یَا دَلِیلُ یَا قَبِیلُ یَا مُدِیلُ یَا مُنِیلُ یَا مُقِیلُ یَا مُحِیلُ

خداوندا! از تو به نامت خواهـانم. ای باشـکوه. ای زیبـا. ای کارساز. ای پشتیبان. ای راهنما. ای کارگزار. ای نیکبخـت کننده. ای رساننده خوبی ها.ای بر طرف کنندهٔ بـدی هـا. ای چاره ساز.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۱٤

يَا دَلِيلَ الْمُتَحَيِّرِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ يَا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ يَا عَوْنَ الْمُؤْمِنِينَ يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ يَا مَلْجَأَ الْعَاصِينَ يَا غَافِرَ الْمُذْنِبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ

ای راهنمای حیـرت زدگـان. ای دادرس دادخواهـان. ای فریادرس فریاد خواهان. ای پناهگاه پناه جویان. ای ایمنی بخش وحشت زدگان. ای یاری دهنـدهٔ مؤمنـان. ای رحـم کنندهٔ بی نوایـان. ای جـان پنـاه جفاکـاران. ای آمرزنـدهٔ گناهکاران. ای استجابت کنندهٔ دعای درماندگان

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۱۵

يَا ذَا الْجُودِ وَ الْإِحْسَانِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَ الامْتِنَانِ يَا ذَا الْأَمْنِ وَ الْأَمَانِ يَا ذَا الْقُدْسِ وَ السُّبْحَانِ يَا ذَا الْحِكْمَةِ وَ الْبَيَانِ يَا ذَا الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ يَا ذَا الْحُجَّةِ وَ الْبُرْهَانِ يَا ذَا الْعَظَمَةِ وَ السُّلْطَانِ يَا ذَا الرَّأْفَةِ وَ الْمُسْتَعَانِ يَا ذَا الْعَفْوِ وَ الْغُفْرَانِ

ای صاحب بخشش و نیکی. ای صاحب برتـری و بهتـری . ای صـاحب ایمنـی و آسـایش. ای صـاحب پـاکی و بـی آلایشـی. ای صـاحب حکمـت و روشـنگری. ای صـاحب رحمت و خشنودی. ای صاحب حجت و برهان. ای صاحب بزرگـی و فرمـان. ای صـاحب دلسـوزی و یـاریگری. ای صاحب گذشت و آمرزش.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۱٦

يَا مَنْ هُوَ رَبٌّ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ إِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْهُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ صَانِعُ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ عَالِمٌ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ قَادِرٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ هُوَ يَبْقَى وَ يَفْنَى كُلُّ شَيْءٍ

ای تو که ربّ همه چیزی. ای تو که خدای همه چیزی. ای تو که خالق همه چیزی. ای تو که سازنده همه چیزیای تو که قبل از همه چیزی. ای تو که بعد از همه چیزی. ای تو که برتر از همه چیزی. ای تو که دانای همه

چیزی. ای تو که توانا به همه چیزی. ای تو که مـی مـانی در حالی که همه چیز فنا می شود.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۱۷

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا مُؤْمِنُ یَا مُهَیْمِنُ یَا مُکَوِّنُ یَا مُلَقِّنُ یَا مُبَیِّنُ یَا مُهَوِّنُ یَا مُمَکِّنُ یَا مُزَیِّنُ یَا مُعْلِنُ یَا مُقَسِّمُ

خداوندا! از تو به نامت خواهانم.ای ایمنی بخش. ای نگـاه بان. ای هستی بخـش. ای آمـوزش دهنـده بـه تکـرار. ای روشنگر. ای نرم کنندهٔ سختی هـا. ای ممکـن کننـدهٔ نـا

شدنی ها. ای آراسته کننده نعمت هـا. ای آشـکار کننـدهٔ حقایق. ای تقسیم کنندهٔ برکات.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۱۸

يَا مَنْ هُوَ فِي مُلْكِهِ مُقِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي سُلْطَانِهِ قَدِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي جَلالِهِ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَى عِبَادِهِ رَحِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي صُنْعِهِ حَكِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ لَطِيفٌ يَا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ قَدِيمٌ

ای آن کـه در فرمـانروائی ات پـا برجـایی. ای آن کـه در

پادشاهی ات دیرینه ای. ای آن که در شکوهت بزرگی. ای آن که نسبت به بندگانت با رحمتی. ای آن که نسبت بـه هر چیزی دانایی. ای آن که نسبت به نافرمانان، بردبـاری. ای آن که نسـبت بـه امیـدوارن بخشـنده ای. ای آن کـه نسبت بـه آنچـه کـه سـاخته ای حکیمـی. ای آن کـه در فرزانگی ات نکته سنجی. ای آن کـه در نکتـه سـنجی ات دیرینه ای.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۱۹

يَا مَنْ لا يُرْجَى إِلا فَضْلُهُ يَا مَنْ لا يُسْأَلُ إِلا عَفْوُهُ يَا مَنْ لا يُنْظَرُ إِلا بِرُّهُ يَا مَنْ لا يُخَافُ إِلا عَدْلُهُ يَا مَنْ لا يَدُومُ إِلا مُلْكُهُ يَا مَنْ لا سُلْطَانَ إِلا سُلْطَانُهُ يَا مَنْ وَسِعَتْ كُلَّ

شَیْءٍ رَحْمَتُهُ یَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ یَا مَنْ أحَاطَ بِکُلِّ شَیْءٍ عِلْمُهُ یَا مَنْ لَیْسَ أحَدٌ مِثْلَهُ

ای آنکه جز بخششت را امید نبرند. ای آنکه جز گذشـتت را مسئلت نکنند. ای آنکه جز نیکوئی را ننگرنـد. ای آنکـه جز عدالتت را نهراسند. ای آنکه فقـط فرمـانروایی او دوام دارد. ای آنکه فقط پادشاهی او می ماند. ای آنکه رحمتـت همه چیز را فرا گرفته است. ای آنکه رحمتت بر خشم ات پیشی گرفته است. ای آنکه دانـائی ات همـه چیـز را فـرا گرفته است. ای آنکه احدی مثل او نیست.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٢٠

يَا فَارِجَ الْهَمِّ يَا كَاشِفَ الْغَمِّ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَاخَالِقَ الْخَلْقِ يَا صَادِقَ الْوَعْدِ يَا مُوفِيَ الْعَهْدِ يَا عَالِمَ السِّرِّ يَا فَالِقَ الْحَبِّ يَا رَازِقَ الْأَنَامِ

ای برطرف کنندهٔ اندوه. ای زدایندهٔ رنج. ای آمرزندهٔ گناه. ای پذیرندهٔ توبـه. ای خـالق آفـرینش. ای راسـتکردار. ای وفادار. ای دانای نهان. ای شکافندهٔ دانه. ای روزی دهنـدهٔ آفریدگان.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۲۱

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا عَلِیُّ یَا وَفِیُّ یَا غَنِیُّ یَا مَلِیُّ یَا حَفِیُّ یَا رَضِیُّ یَا زَکِیُّ یَا بَدِیُّ یَا قَوِیُّ یَا وَلِیُّ

خداوندا! از تو به نامت خواهانم. ای بلند مرتبه. ای وفادار . ای بی نیاز. ای سرشار. ای آگاه نجات بخش.

ای خشنود. ای پاک. ای پدیدآورنده. ای نیرومند. ای دوستدار.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۲۲

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ يَا مَنْ سَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ يَا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى

ای نمایان کنندهٔ زیبائی. ای پوشانندهٔ زشتی. ای آنکه کسی را به گناهش نگیری. ای آنکه پرده دری کس نکنی. ای بزرگ بخشش. ای خوب با گذشت. ای صاحب آمرزش وسیع. ای دست گشادهٔ با رحمت. ای راز آشنای هر راز. ای مرجع هر ناله.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۲۳

يَا ذَا النِّعْمَةِ السَّابِغَةِ يَا ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ يَا ذَا الْمِنَّةِ السَّابِقَةِ يَا ذَا الْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْكَامِلَةِ يَا ذَا الْحُجَّةِ الْقَاطِعَةِ يَا ذَا الْكَرَامَةِ الظَّاهِرَةِ يَا ذَا الْعِزَّةِ الدَّائِمَةِ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينَةِ يَا ذَا الْعَظَمَةِ الْمَنِيعَةِ

ای صاحب نعمت فراگیر. ای صاحب رحمت گسترده. ای صاحب خوبی پیش رونده. ای صاحب فرزانگی کارآمد. ای صاحب قدرت کامله . ای صاحب برهان برنده. ای صاحب بزرگواری آشکار. ای صاحب ارجمندی پایدار. ای صاحب نیروی پا برجا. ای صاحب عظمت استوار.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۲٤

يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ يَا جَاعِلَ الظُّلُمَاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ يَا سَاتِرَ الْعَوْرَاتِ يَا مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ يَا مُنْزِلَ الْآيَاتِ يَا مُضَعِّفَ الْحَسَنَاتِ يَا مَاحِيَ السَّيِّئَاتِ يَا شَدِيدَ النَّقِمَاتِ

ای آفریننده آسمانها. ای پدید آورنده تاریکی ها. ای مهربان بر چشمهای گریان. ای گذشت کننده از خطایا. ای پوشاننده عورات. ای زنده کننده مردگان. ای نازل کننده آیات . ای افزون کننده نیکی ها. ای زداینده بدیها. ای سخت انتقام گیر.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۲۵

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا مُصَوِّرُ یَا مُقَدِّرُ یَا مُدَبِّرُ یَا مُطَهِّرُ یَا مُنَوِّرُ یَا مُیَسِّرُ یَا مُبَشِّرُ یَا مُنْذِرُ یَا مُقَدِّمُ یَا مُؤَخِّرُ

خداوندا! از تو به نامت خواهانم. ای تصویر آفرین. ای اندازه بخش. ای تدبیرکننده . ای پاک ساز. ای روشـنی بخـش. ای آسان ساز. ای بشارت دهنـده. ای هشـدار دهنـده. ای پیش افکن . ای تاخیر افکن.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٢٦

يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يَا رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْحِلِّ وَ الْحَرَامِ يَا رَبَّ النُّورِ وَ الظَّلامِ يَا رَبَّ التَّحِيَّةِ وَ السَّلامِ يَا رَبَّ الْقُدْرَةِ فِى الْأَنَامِ

ای ربّ خانه محتـرم. ای ربّ مـاه محتـرم. ای ربّ شـهر محترم. ای ربّ پایـه (کعبـه) و جایگـاه(ابـراهیم)! ای ربّ اندیشه گاه محترم. ای ربّ عبادتگاه محترم. ای ربّ حلال و حرام. ای ربّ روشنایی و تاریکی. ای ربّ تحیت و درود. ای ربّ توانمندی میان آفریدگان.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۲۷

يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ يَا أَطْهَرَ الطَّاهِرِينَ يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ يَا أَشْفَعَ الشَّافِعِينَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ

ای برترین حاکمان. ای برترین دادگران. ای راستگوترین راستگویان. ای پاکترین پاکان. ای بهترین آفریدگان. ای سریع ترین محاسبه گران. ای شنواترین شنوایان. ای بیناترین بینندگان. ای کارگشاترین کارگشایان. ای بزرگوارترین بزرگوایان.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۲۸

يَا عِمَادَ مَنْ لا عِمَادَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لا سَنَدَ لَهُ يَا ذُخْرَ مَنْ لا ذُخْرَ لَهُ يَا حِرْزَ مَنْ لا حِرْزَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لا غِيَاثَ لَهُ يَا فَخْرَ مَنْ لا فَخْرَ لَهُ يَا عِزَّ مَنْ لا عِزَّ لَهُ يَا مُعِينَ مَنْ لا مُعِينَ لَهُ يَا أَنِيسَ مَنْ لا أَنِيسَ لَهُ يَا أَمَانَ مَنْ لا أَمَانَ لَهُ

ای تکیه گاه آنکه هیچ تکیه گاهی ندارد. ای پشتوانه آنکه هیچ پشتوانه ای ندارد. ای ذخیـره آنکـه هـیچ ذخیـره ای ندارد. ای نگهبان آنکه هیچ نگهبانی نـدارد. ای فریـادرس آنکه هیچ فریادرسی ندارد. ای افتخار آنکه هـیچ افتخـاری ندارد. ای عزت آنکه هیچ عزتی ندارد. ای یاور آنکه یـاوری ندارد. ای همدم آنکه هیچ همدمی ندارد. ای امنیت کسی که امانی ندارد.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۲۹

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا عَاصِمُ یَا قَائِمُ یَا دَائِمُ یَا رَاحِمُ یَا سَالِمُ یَا حَاکِمُ یَا عَالِمُ یَا قَاسِمُ یَا قَابِضُ یَا بَاسِطُ

خداونـدا! از تـو بـه نامـت خواهـانم. ای نگاهدارنـده. ای پابرجـای. ای همیشـگی. ای رحـم کننـده. ای سـلامتی بخش. ای داور. ای دانا. ای تقسیم کننده نعمات. ای تنگ گیرنده. ای گشایش دهنده.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۳۰

يَا عَاصِمَ مَنِ اسْتَعْصَمَهُ يَا رَاحِمَ مَنِ اسْتَرْحَمَهُ يَا غَافِرَمَنِ اسْتَغْفَرَهُ يَا نَاصِرَ مَنِ اسْتَنْصَرَهُ يَا حَافِظَ مَنِ اسْتَحْفَظَهُ يَا مُكْرِمَ مَنِ اسْتَكْرَمَهُ يَا مُرْشِدَ مَنِ اسْتَرْشَدَهُ يَا صَرِيخَ مَنِ اسْتَصْرَخَهُ يَا مُعِينَ مَنِ اسْتَعَانَهُ يَا مُغِيثَ مَنِ اسْتَغَاثَهُ

ای نگاه دارندهٔ آنکه از تو حفاظت طلبد. ای رحـم کننـده آنکه از تو رحمت طلبد. ای آمرزنـده آنکـه از تـو آمـرزش طلبد. ای یاور آنکه از تو یاری طلبد. ای نگاه بـان آنکـه از تو نگهبانی طلبـد. ای کرامـت بخـش آنکـه از توکرامـت

طلبد. ای رشد دهندهٔ آنکه از تو رشد و بالندگی طلبد. ای فریاد رس آنکه از تو فریادرسـی طلبـد. ای کمـک کننـدهٔ آنکـه از توکمـک طلبـد. ای دادرس آنکـه از تـو دادرسـی طلبد.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هیچ خدایی جز تـو نیسـت. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۳۱

یَا عَزِیزا لا یُضَامُ یَا لَطِیفا لا یُرَامُ یَا قَیُّوما لا یَنَامُ یَا دَائِما لا یَفُوتُ یَا حَیّا لا یَمُوتُ یَا مَلِکا لا یَزُولُ یَا بَاقِیا لا یَفْنَی یَا عَالِما لا یَجْهَلُ یَا صَمَدا لا یُطْعَمُ یَا قَوِیّا لا یَضْعُفُ

ای قدرتمندی که سـتم نبینـی. ای لطیفـی کـه در آرزو

نگنجی. ای پابرجایی که به خواب نروی. ای دائمـی کـه از بین نروی . ای زنده ای که نمیری. ای پادشاهی کـه زوال نپذیری. ای مانـدگاری کـه نـابود نشـوی. ای دانـایی کـه جاهـل نگـردی. ای بـی نیـازی کـه اطعـام نشـوی. ای نیرومندی که ضعیف نگردی.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هیچ خدایی جز تـو نیسـت. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۳۲

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا أَحَدُ یَا وَاحِدُ یَا شَاهِدُ یَا مَاجِدُ یَا حَامِدُ یَا رَاشِدُ یَا بَاعِثُ یَا وَارِثُ یَا ضَارُّ یَا نَافِعُ

خداوندا! از تو به نامت خواهـانم. ای یگانـه. ای یکتـا. ای گـــواه. ای باشـــکوه. ای ستایشـــگر. ای رشـــددهنده. ای

برانگیزاننده. ای وارث. ای زیان رساننده به باطل. ای سـود دهنده به حق جویان .

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هیچ خدایی جز تـو نیسـت.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۳۳

يَا أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ يَا أَكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ يَا أَرْحَمَ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ يَا أَعْلَمَ مِنْ كُلِّ عَلِيمٍ يَا أَحْكَمَ مِنْ كُلِّ حَكِيمٍ يَا أَقْدَمَ مِنْ كُلِّ قَدِيمٍ يَا أَكْبَرَ مِنْ كُلِّ كَبِيرٍ يَا أَلْطَفَ مِنْ كُلِّ لَطِيفٍ يَا أَجَلَّ مِنْ كُلِّ جَلِيلٍ يَا أَعَزَّ مِنْ كُلِّ عَزِيزٍ

ای که از هر سترگی، عظیم تری. ای که از هـر بخشـنده

ای بخشنده تری. ای که از هر رحم کننده ای رحیم تری. ای که از هر دانایی، داناتری. ای که از هر حاکمی، حکـیم تری. ای که از هـر قـدیمی، دیرینـه تـری. ای کـه از هـر بزرگی، بزرگتری. ای که از هر لطیفی، لطیف تری. ای کـه از هر شکوهمندی، باشکوه تری. ای که از هر گرانمایه ای، گران مایه تری.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هـیچ خدایی جـز تـو نیسـت. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٣٤

يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا كَثِيرَ الْخَيْرِ يَا قَدِيمَ الْفَضْلِ يَا دَائِمَ اللُّطْفِ يَا لَطِيفَ الصُّنْعِ يَا مُنَفِّسَ الْكَرْبِ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ يَا مَالِكَ الْمُلْكِ يَا قَاضِيَ الْحَقِّ

ای که با بزرگواری میگذری. ای که برکات بسـیار دهـی. ای که خیر بسـیار بخشـی. ای بخشـندهٔ دیرینـه. ای کـه لطفت دائـم اسـت. ای کـه سـاخته ات اطیـف اسـت. ای برطـرف کننـده گرفتـاری. ای زداینـده زیـان. ای مالـک فرمانروایی. ای قاضی حق.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۳۵

یَا مَنْ هُوَ فِی عَهْدِهِ وَفِیٌّ یَا مَنْ هُوَ فِی وَفَائِهِ قَوِیٌّ یَا مَنْ هُوَ فِی قُوَّتِهِ عَلِیٌّ یَا مَنْ هُوَ فِی عُلُوِّهِ قَرِیبٌ یَا مَنْ هُوَ فِی قُرْبِهِ لَطِیفٌ یَا مَنْ هُوَ فِی لُطْفِهِ شَرِیفٌ یَا مَنْ هُوَ فِی

شَرَفِهِ عَزِيزٌ يَا مَنْ هُوَ فِي عِزِّهِ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ مَجِيدٌ يَا مَنْ هُوَ فِي مَجْدِهِ حَمِيدٌ

ای آن که به پیمانت پایبندی. ای آن که در وفـاداری ات محکمی. ای آن که در نیرومندی ات بلنـد مرتبـه ای. ای آن که در بلند مرتبه گی ات بـه بنـدگان نزدیکـی. ای آن که در نزدیکی ات، لطیفی. ای آن که در لطفـت شـریفی. ای آن کـــه در شـــرفت، گرانمایـــه ای. ای آن کـــه در گرانمایگیت ، بزرگی. ای آن که در بزرگی ات، با شکوهی. ای آن که در شکوهت، ستوده ای.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هیچ خدایی جز تـو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۳٦

اللَّهُمَّ إِنِّی أسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا کَافِی یَا شَافِی یَا وَافِی یَا مُعَافِی یَا هَادِی یَا دَاعِی یَا قَاضِی یَا رَاضِی یَا عَالِی یَا بَاقِی

خداوندا! از تو به نامت خواهانم. ای کفایت کننده. ای شفا دهنـــده. ای پایبنـــد پیمـــان. ای ســـلامتی بخـــش. ای هدایتکننده. ای دعـوت کننـده بـه خـوبی. ای روا کننـده نیازها. ای خشنود. ای بلند مرتبه. ای ماندگار.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۳۷

يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَهُ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاشِعٌ لَهُ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ كَائِنٌ لَهُ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مَوْجُودٌ بِهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مُنِيبٌ إِلَيْهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَائِفٌ مِنْهُ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ صَائِرٌ إِلَيْهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلا وَجْهَهُ

ای آنکه هر چیزی برای تـو خاضـع اسـت. ای آنکـه هـر چیزی برای تو خاکسار است. ای آنکه هر چیزی بـرای تـو هستی دارد. ای آنکه هر چیزی به بود تـو، بـود اسـت. ای آنکه هر چیزی به سوی تو باز گردد. ای آنکه هر چیزی از تو ترسان است. ای آنکه هر چیزی به تو استوار اسـت. ای آنکه هر چیزی به سوی تو دگرگون می شود. ای آنکه هـر

چیزی مشغول تسبیح حمد اوست. ای آنکه همه چیز نابود می شود جز روی او.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۳۸

یَا مَنْ لامَفَرَّ إِلا إِلَیْهِ یَا مَنْ لا مَفْزَعَ إِلا إِلَیْهِ یَا مَنْ لا مَقْصَدَ إِلا إِلَیْهِ یَا مَنْ لا مَنْجَی مِنْهُ إِلا إِلَیْهِ یَا مَنْ لا یُرْغَبُ إِلا إِلَیْهِ یَا مَنْ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلا بِهِ یَا مَنْ لا یُسْتَعَانُ إِلا بِهِ یَا مَنْ لا یُتَوَکَّلُ إِلا عَلَیْهِ یَا مَنْ لا یُرْجَی إِلا هُوَ یَا مَنْ لا یُعْبَدُ إِلا هُوَ

ای آنکه مفرّی جز به سوی تو نیست. ای آنکـه پناهگـاهی جز پناه تو نیست. ای آنکه مقصدی جز سوی تـو نیسـت. ای آنکه نجاتی جز نزد تو نیست. ای آنکه جز بـه سـوی او تمایل نیابند. ای آنکه هیچ نیرو و توانی جز بـه او حاصـل نشود. ای آن که جز او یاری نطلبند. ای آن که جـز بـه او توکل نکنند. ای آن که جز بر او امیـد نبندنـد. ای آن کـه جز او پرستیده نشود.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هیچ خدایی جز تـو نیسـت. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۳۹

يَا خَيْرَ الْمَرْهُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَرْغُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَطْلُوبِينَ
يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ يَا خَيْرَ الْمَقْصُودِينَ يَا خَيْرَ

الْمَذْكُورِينَ يَا خَيْرَ الْمَشْكُورِينَ يَا خَيْرَ الْمَحْبُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَدْعُوِّينَ يَا خَيْرَ الْمُسْتَأْنِسِينَ

ای شایسته ترین کسی که از او مـی ترسـند. ای بهتـرین کسی که شیفته اش می شوند. ای بهترین کسی کـه او را می خواهند. ای بهترین کسی که او را یاد مـی کننـد. ای بهترین کسی که او را شکر میگذارند. ای بهترین کسی که او را دوست میدارند. ای بهترین کسی که او را میخواننـد. ای بهترین کسی که او را همدمش می گیرند.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هیچ خدایی جز تـو نیسـت. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٤٠

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا غَافِرُ یَا سَاتِرُ یَا قَادِرُ یَا قَاهِرُ یَا فَاطِرُ یَا کَاسِرُ یَا جَابِرُ یَا ذَاکِرُ یَا نَاظِرُ یَا نَاصِرُ

خداوندا! به نامت از تو خواهانم. ای آمرزنده. ای پوشاننده. ای توانا. ای چیره گر. ای فطرت بخـش. ای شـکافنده. ای پیوند زننده. ای یاد کننده. ای بیننده. ای یاری دهنده.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٤١

یَا مَنْ خَلَقَ فَسَوَّی یَا مَنْ قَدَّرَ فَهَدَی یَا مَنْ یَکْشِفُ الْبَلْوَی یَا مَنْ یَسْمَعُ النَّجْوَی یَا مَنْ یُنْقِذُ الْغَرْقَی یَا مَنْ

يُنْجِي الْهَلْكَى يَا مَنْ يَشْفِي الْمَرْضَى يَا مَنْ أَضْحَكَ وَ أَبْكَى يَا مَنْ أَمَاتَ وَ أَحْيَا يَا مَنْ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى

ای آنکه می آفرینی و برپا میداری. ای آنکـه تقـدیر مـی کنی و هدایت می بخشی . ای آنکـه سـختی هـا را کنـار میزنی. ای آنکه رازها را می شنوی. ای انکه غرق شـدگان را نجات می دهی . ای آنکه بیماران را شفا مـی بخشـی . ای آنکه می خندانی و می گریانی. ای آنکه مـی میرانـی و زنده می گردانی. ای آنکه جفـت هـای مـذکر و مؤنـث را خلق می کنی.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هـیچ خدایی جـز تـو نیسـت. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٤٢

يَا مَنْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ سَبِيلُهُ يَا مَنْ فِي الْآفَاقِ آيَاتُهُ يَا مَنْ فِي الْآيَاتِ بُرْهَانُهُ يَا مَنْ فِي الْمَمَاتِ قُدْرَتُهُ يَا مَنْ فِي الْقُبُورِ عِبْرَتُهُ يَا مَنْ فِي الْقِيَامَةِ مُلْكُهُ يَا مَنْ فِي الْحِسَابِ هَيْبَتُهُ يَا مَنْ فِي الْمِيزَانِ قَضَاؤُهُ يَا مَنْ فِي الْجَنَّةِ ثَوَابُهُ يَا مَنْ فِي النَّارِ عِقَابُهُ

ای آنکه راهت در بیابان و دریاست. ای آنکه نشـانه هایـت در آفاق است. ای آنکه برهانت در آیات است. ای آنکه در مرگ، قدرتت آشکار است. ای آنکه در قبرها عبرتت نهفته است. ای آنکه پادشاهی ات در روز قیامت آشکار است. ای آنکه در حساب کشی ات، هیبتت نمایـان اسـت. ای آنکـه درعدالت، داوری از آن توست. ای آنکه پاداشت در بهشـت است. ای آنکه در این آتش مجازات توست.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٤٣

يَا مَنْ إِلَيْهِ يَهْرُبُ الْخَائِفُونَ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَقْصِدُ الْمُنِيبُونَ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْغَبُ الزَّاهِدُونَ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَلْجَأُ الْمُتَحَيِّرُونَ يَا مَنْ بِهِ يَسْتَأْنِسُ الْمُرِيدُونَ يَا مَنْ بِهِ يَفْتَخِرُ الْمُحِبُّونَ يَا مَنْ فِي عَفْوِهِ يَطْمَعُ الْخَاطِئُونَ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَسْكُنُ الْمُوقِنُونَ يَا مَنْ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

ای آنکه بیمناکان به سوی تو می گریزند. ای آنکه گناهکاران به سوی تو می نالند. ای آنکه پشیمانان

روبسوی تو میدارند. ای آنکه زاهـدان ، مشـتاق توأنـد. ای آنکـه حیـرت زدگـان بـه تـو پنـاه مـی آورنـد. ای آنکـه خواستاران با تو همدم می شوند. ای آنکه عاشـقان بـه تـو افتخار می کنند. ای آنکه خطا کاران در عفوش طمع مـی کنند. ای آنکه اهل یقین به او آرامش می یابنـد. ای آنکـه توکل کنندگان بر او توکل می کنند.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٤٤

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا حَبِیبُ یَا طَبِیبُ یَا قَرِیبُ یَا رَقِیبُ یَا حَسِیبُ یَا مُهِیبُ یَا مُثِیبُ یَا مُجِیبُ یَا خَبِیرُ یَا بَصِیرُ

خداوندا! به نامت از تو خواهانم. ای دوست ناب. ایطبیـب. ای نزدیک. ای نگاهبان. ای محاسبه گر. ای هراس آور. ای پاداش دهنده. ای اجابت کننده. ای باخبر. ای بینا.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٤٥

يَا أَقْرَبَ مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ يَا أَحَبَّ مِنْ كُلِّ حَبِيبٍ يَا أَبْصَرَ مِنْ كُلِّ بَصِيرٍ يَا أَخْبَرَ مِنْ كُلِّ خَبِيرٍ يَا أَشْرَفَ مِنْ كُلِّ شَرِيفٍ يَا أَرْفَعَ مِنْ كُلِّ رَفِيعٍ يَا أَقْوَى مِنْ كُلِّ قَوِيٍّ يَا أَغْنَى مِنْ كُلِّ غَنِيٍّ يَا أَجْوَدَ مِنْ كُلِّ جَوَادٍ يَا أَرْأَفَ مِنْ كُلِّ رَئُوفٍ

ای که از هر نزدیکی، نزدیکتری. ای که از هر دوستداری دوستدارتری. ای که از هر بینایی، بیناتری. ای که از هر باخبری، خبردارتری. ای که از هر شریفی با شرفتری. ای که از هر بلند مرتبه ای، بلند مرتبه تری. ای که از هر نیرومندی، نیرومند تری. ای که از هر بی نیازی، بی نیازتری. ای که از هر بخشنده ای، بخشنده تری. ای که از هر دلسوزی، دلسوزتری.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٤٦

يَا غَالِبا غَيْرَ مَغْلُوبٍ يَا صَانِعا غَيْرَ مَصْنُوعٍ يَا خَالِقا غَيْرَ مَخْلُوقٍ يَا مَالِكا غَيْرَ مَمْلُوكٍ يَا قَاهِرا غَيْرَ مَقْهُورٍ يَا

رَافِعا غَيْرَ مَرْفُوعٍ يَا حَافِظا غَيْرَ مَحْفُوظٍ يَا نَاصِرا غَيْرَ مَنْصُورٍ يَا شَاهِدا غَيْرَ غَائِبٍ يَا قَرِيبا غَيْرَ بَعِيدٍ

ای پیروزی که شکست در تو راه ندارد. ای سازنده ای که ساخته نشده ای. ای خالقی که مخلوق نیستی. ای دارنـده ای که دارایی کسی نبوده ای. ای چیره دستی کـه مقهـور کس نگشته ای. ای بلند مرتبه ای که کس بلندت نکـرده است. ای نگهبانی که کس نگهبانی ات نکند. ای یاوری که نیاز به یاوری نـدارد. ای پیـدایی کـه پنهـان نگـردی. ای نزدیکی که دور نیستی.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هـیچ خدایی جز تـو نیسـت. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٤٧

يَا نُورَ النُّورِ يَا مُنَوِّرَ النُّورِ يَا خَالِقَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ النُّورِ يَا مُقَدِّرَ النُّورِ يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورا قَبْلَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورا بَعْدَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورا فَوْقَ كُلِّ نُورٍ يَا نُورا لَيْسَ كَمِثْلِهِ نُورٌ

ای روشنی روشنایی، ای روشن کننده روشنایی. ای خالق روشنایی. ای تدبیرگر روشنایی. ای اندازه بخش روشـنایی. ای فـروغ همـه روشـنایی هـا. ای نـوری کـه قبـل از هـر روشـنایی بـوده ای. ای نـوری کـه پـس از هـر روشـنایی هستی. ای نور برتر از همه نورها. ای نوری که چون مثـل او نوری نیست.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هـیچ خدایی جـز تـو نیسـت. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٤٨

يَا مَنْ عَطَاؤُهُ شَرِيفٌ يَا مَنْ فِعْلُهُ لَطِيفٌ يَا مَنْ لُطْفُهُ مُقِيمٌ يَا مَنْ إِحْسَانُهُ قَدِيمٌ يَا مَنْ قَوْلُهُ حَقٌّ يَا مَنْ وَعْدُهُ صِدْقٌ يَا مَنْ عَفْوُهُ فَضْلٌ يَا مَنْ عَذَابُهُ عَدْلٌ يَا مَنْ ذِكْرُهُ حُلْوٌ يَا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ

ای آنکه بخششت شریف است. ای آنکه عملکردت لطیـف است. ای آنکه لطفت پایدار است. ای آنکـه نیکوکـاری ات دیرینه است. ای آنکه سخنت حق است. ای آنکه وعده ات راست است. ای آنکه گذشتت نیک است. ای آنکه عذابت، عدل است. ای آنکه ذکرت شیرین است. ای آنکـه برتـری ات فراگیر است.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٤٩

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا مُسَهِّلُ یَا مُفَصِّلُ یَا مُبَدِّلُ یَا مُذَلِّلُ یَا مُنَزِّلُ یَا مُنَوِّلُ یَا مُفْضِلُ یَا مُجْزِلُ یَا مُمْهِلُ یَا مُجْمِلُ

خداوندا! به نامت از تو خواهانم. ای آسان ساز. ای جداساز. ای تبدیل کننده. ای خوارکننده. ای نازل کننده. ای بهره رسان. ای زیاد کننده. ای بسیار بخش. ای مهلت دهنده. ای زیباساز.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۵۰

يَا مَنْ يَرَى وَ لا يُرَى يَا مَنْ يَخْلُقُ وَ لا يُخْلَقُ يَا مَنْ يَهْدِي وَ لا يُهْدَى يَا مَنْ يُحْيِي وَ لا يُحْيَى يَا مَنْ يَسْأَلُ وَ لا يُسْأَلُ يَا مَنْ يُطْعِمُ وَ لا يُطْعَمُ يَا مَنْ يُجِيرُ وَ لا يُجَارُ عَلَيْهِ يَا مَنْ يَقْضِي وَ لا يُقْضَى عَلَيْهِ يَا مَنْ يَحْكُمُ وَ لا يُحْكَمُ عَلَيْهِ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوا أَحَدٌ

ای که می بینی و دیده نمی شوی. ای که خلق می کنی و خود خلق نشده ای. ای که هدایت می کنیو خود هدایت نشده ای. ای که زنده می گردانی و خود زنـده نشـده ای.

ای که بازخواست می کنی و خود بازخواست نمـی شـوی. ای که خوراک می دهی و خود نیاز به خوراک نـداری. ای که پناه می دهی و خود به پناه نیازمند نیسـتی. ای آنکـه داوری مـی کنـی و خـود داوری نمـی شـوی. ای کـه بـر دیگران فرمان می رانی و کس بر تو فرمان نمـی رانـد. ای که نه زاییده ای و نه زاده شده ای و نه کسی همتـای تـو بوده است.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٥١

يَا نِعْمَ الْحَسِيبُ يَا نِعْمَ الطَّبِيبُ يَا نِعْمَ الرَّقِيـبُ يَـا نِعْـمَ الْقَرِيبُ يَا نِعْمَ الْمُجِيبُ يَا نِعْمَ الْحَبِيبُ يَا نِعْمَ الْكَفِيلُ يَا نِعْـمَ الْوَكِيـلُ يَـا نِعْـمَ الْمَـوْلَى يَـا نِعْـمَ النَّصِـيرُ

ای حسابرس خوب. ای طبیب خوب. ای نگهبـان خـوب. ای نزدیـک خـوب. ای اجابـت کننـده خـوب. ای دوسـت خوب. ای پشتیبان خوب. ای وکیل خـوب. ای سرپرسـت خوب. ای یاور خوب.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هـیچ خدایی جـز تـو نیسـت. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٥٢

يَا سُرُورَ الْعَارِفِينَ يَا مُنَى الْمُحِبِّينَ يَا أَنِيسَ الْمُرِيدِينَ يَا حَبِيبَ التَّوَّابِينَ يَا رَازِقَ الْمُقِلِّينَ يَا رَجَاءَ الْمُذْنِبِينَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْعَابِدِينَ يَا مُنَفِّسَ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُفَرِّجَ عَنِ الْمَغْمُومِينَ يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

ای شـــادکامی عارفـــان. ای آرزوی عاشـــقان . ای مـــونس خواستاران. ای دوستدار توبه کننـــدگان. ای روزی دهنـــدۀ کم مایگان. ای امید گناهکاران. ای روشنی چشـــم عبـــادت کننـــدگان. ای راحـــت جـــان آزردگـــان. ای شـــادی بخـــش غمگینان. ای خدای اولین و آخرین.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۵۳

اللَّهُمَّ إِنِّی أسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا رَبَّنَا یَا إِلَهَنَا یَا سَیِّدَنَا یَا مَوْلانَا یَا نَاصِرَنَا یَا حَافِظَنَا یَا دَلِیلَنَا یَا مُعِینَنَا یَا حَبِیبَنَا یَا طَبِیبَنَا

خداوندا! به نامت از تو خواهانم. ای پرورندهٔ ما. ای خـدای ما. ای سَروَر ما. ای مولای ما. ای یاور ما. ای حافظ مـا. ای راهنمای ما. ای کمک کننده ما. ای دوست ما. ای طبیب ما.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هـیچ خدایی جـز تـو نیسـت. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٥٤

يَا رَبَّ النَّبِيِّينَ وَ الْأَبْرَارِ يَا رَبَّ الصِّدِّيقِينَ وَ الْأَخْيَارِ يَا رَبَّ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ يَا رَبَّ الصِّغَارِ وَ الْكِبَارِ يَا رَبَّ الْحُبُوبِ وَ الثِّمَارِ يَا رَبَّ الْأَنْهَارِ وَ الْأَشْجَارِ يَا رَبَّ الصَّحَارِى وَ الْقِفَارِ يَا رَبَّ الْبَرَارِى وَ الْبِحَارِ يَا رَبَّ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ يَا رَبَّ الْأَعْلانِ وَ الْأَسْرَارِ

ای پروردگار پیامبران و نیکان. ای پروردگار راستگویان و خوبان. ای پروردگار بهشت و جهنم. ای پروردگار کوچک و بزرگ. ای پروردگار دانه ها و میوه ها. ای پروردگار رودها و درختان. ای پروردگار بیابان ها و دشت ها. ای پروردگار خشکی ها و دریا ها . ای پروردگار شب و روز. ای پروردگار آشکارو نهان.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۵۵

يَا مَنْ نَفَذَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَمْرُهُ يَا مَنْ لَحِقَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يَا مَنْ بَلَغَتْ إِلَى كُلِّ شَيْءٍ قُدْرَتُهُ يَا مَنْ لا تُحْصِي الْعِبَادُ نِعَمَهُ يَا مَنْ لا تَبْلُغُ الْخَلائِقُ شُكْرَهُ يَا مَنْ لا

تُدْرِکُ الْأَفْهَامُ جَلالَهُ یَا مَنْ لا تَنَالُ الْأَوْهَامُ کُنْهَهُ یَا مَنِ الْعَظَمَةُ وَ الْکِبْرِیَاءُ رِدَاؤُهُ یَا مَنْ لا تَرُدُّ الْعِبَادُ قَضَاءَهُ یَا مَنْ لا مُلْکَ إِلا مُلْکُهُ یَا مَنْ لا عَطَاءَ إِلا عَطَاؤُهُ

ای آنکه فرمانت در همه چیزی نافذ است. ای آنکه دانش ات همه چیز را شامل می شود. ای آنکه قـدرتت بـر همـه چیز مسلط است. ای آنکه بندگان، تـوان شـمارش نعمـت هایش را ندارند. ای آنکـه خلایـق، تـوان شـکرگزاریش را ندارند. ای آنکه اندیشه ها، توان فهم شـکوهش را ندارنـد. ای آنکه اوهام به کنه اش پـی نبرنـد. ای آنکـه عظمـت و بزرگی، ردایش گشته است. ای آنکه بنـدگان، تـوان پـس زدن حکمـش را ندارنـد. ای آنکـه هـیچ پادشـاهی جـز پادشاهی او نیست. ای آنکه هیچ بخششی جـز بخشـش او نیست.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٥٦

يَا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى يَا مَنْ لَهُ الصِّفَاتُ الْعُلْيَا يَا مَنْ لَهُ الْآخِرَةُ وَ الْأُولَى يَا مَنْ لَهُ الْجَنَّةُ الْمَأْوَى يَا مَنْ لَهُ الْآيَاتُ الْكُبْرَى يَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يَا مَنْ لَهُ الْحُكْمُ وَ الْقَضَاءُ يَا مَنْ لَهُ الْهَوَاءُ وَ الْفَضَاءُ يَا مَنْ لَهُ الْعَرْشُ وَ الثَّرَى يَا مَنْ لَهُ السَّمَاوَاتُ الْعُلَى

ای آنکه برترین وصف از آن اوست. ای آنکه برترین ویژگی ها از آن اوست. ای آنکه دنیا و آخرت از آن اوست. ای آنکه بهشت آرامش بخش از آن اوست. ای آنکه نشانه های بزرگ از آن اوست. ای که نام های نیک از آن اوست. ای

آنکه فرمانروایی و داوری از آن اوست. ای آنکه هوا و فضا از آن اوست. ای آنکه عرش و زمین از آن اوست. ای آنکه آسمان های بلند از آن اوست.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۵۷

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا عَفُوُّ یَا غَفُورُ یَا صَبُورُ یَا شَکُورُ یَا رَءُوفُ یَا عَطُوفُ یَا مَسْئُولُ یَا وَدُودُ یَا سُبُّوحُ یَا قُدُّوسُ

خداوندا! به نامت از تو خواهانم. ای گذشت کننده. ای

آمرزنده. ای صبور. ای قدرشناس. ای مهربـان. ای دلسـوز. ای مراد دلها . ای بامحبت. ای منزه. ای پاک ناب.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٥٨

يَا مَنْ فِي السَّمَاءِ عَظَمَتُهُ يَا مَنْ فِي الْأَرْضِ آيَاتُهُ يَا مَنْ فِي كُلِّ شَيْءٍ دَلائِلُهُ يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ يَا مَنْ فِي الْجِبَالِ خَزَائِنُهُ يَا مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ يَا مَنْ أَظْهَرَ فِي كُلِّ شَيْءٍ لُطْفَهُ يَا مَنْ أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ يَا مَنْ تَصَرَّفَ فِي الْخَلائِقِ قُدْرَتُهُ

ای آنکه بزرگی ات در آسمان نمایان است. ای آنکه نشانه هایت در زمـین گسـترده اسـت. ای آنکـه در همـه چیـز، برهانش وجود دارد. ای آنکـه شـگفتی هـایش در دریاهـا نهان است. ای آنکه گنجینه هایش در کوههاست. ای آنکه آغاز به آفرینش می کنی پس همـه را بـاز میگردانـی. ای آنکه همهٔ امور به تو باز میگـردد. ای آنکـه در همـه چیـز، لطفت نمایان است. ای آنکه آفرینش هـر چیـزی را نیکـو گردانیده ای. ای آنکه همه خلایق با نیروی تو دست انـدر کارند.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هیچ خدایی جز تـو نیسـت. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۵۹

يَا حَبِيبَ مَنْ لا حَبِيبَ لَهُ يَا طَبِيبَ مَنْ لا طَبِيبَ لَهُ يَا مُجِيبَ مَنْ لا مُجِيبَ لَهُ يَا شَفِيقَ مَنْ لا شَفِيقَ لَهُ يَا رَفِيقَ مَنْ لا رَفِيقَ لَهُ يَا مُغِيثَ مَنْ لا مُغِيثَ لَهُ يَا دَلِيلَ مَنْ لا دَلِيلَ لَهُ يَا أَنِيسَ مَنْ لا أَنِيسَ لَهُ يَا رَاحِمَ مَنْ لا رَاحِمَ لَهُ يَا صَاحِبَ مَنْ لا صَاحِبَ لَهُ

ای دوستدار آن کس کـه دوسـتداری نـدارد. ای طبیـب آنکس که درمـانگری نـدارد. ای اجابـت کننـده آن کـس کهاجابت کننده ای ندارد. ای دلسوز آن کس که دلسوزی ندارد. ای رفیق آن کس که رفیقی ندارد. ای فریادرس آن کـس کـه فریادرسـی نـدارد. ای راهنمـای آن کـس کـه راهنمایی ندارد. ای مونس آن کس که همدمی نـدارد. ای

رحـم کننـده آن کـس کـه رحـم کننـده ای نـدارد. ای همنشین آن کس که همنشینی ندارد.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۶۰

يَا كَافِيَ مَنِ اسْتَكْفَاهُ يَا هَادِيَ مَنِ اسْتَهْدَاهُ يَا كَالِيَ مَنِ اسْتَكْلاهُ يَا رَاعِيَ مَنِ اسْتَرْعَاهُ يَا شَافِيَ مَنِ اسْتَشْفَاهُ يَا قَاضِيَ مَنِ اسْتَقْضَاهُ يَا مُغْنِيَ مَنِ اسْتَغْنَاهُ يَا مُوفِيَ مَنِ اسْتَوْفَاهُ يَا مُقَوِّيَ مَنِ اسْتَقْوَاهُ يَا وَلِيَّ مَنِ اسْتَوْلاهُ

ای کفایت کننده آن کـس کـه بـه تـو بسـنده کنـد. ای هدایت کننده آن کس که از تو هدایت طلبد. ای نگاهـدار

آن کس که از تو نگاهداری طلبد. ای مراقب آن کس کـه از تو مراقبت طلبد. ای شفابخش آن کس کـه از تـو شـفا طلبد. ای قاضی آن کس که از تو قضـاوت طلبـد. ای بـی نیاز کننده آن کس که از تو بی نیـازی طلبـد. ای وفـادار آن کس که از تو وفاداری طلبد. ای نیرو بخـش آن کـس که از تو نیرو طلبد. ای سرور آن کس کـه از تـو سـروری طلبد.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هیچ خدایی جز تـو نیسـت. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۶۱

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا خَالِقُ یَا رَازِقُ یَا نَاطِقُ یَا صَادِقُ یَا فَالِقُ یَا فَارِقُ یَا فَاتِقُ یَا رَاتِقُ یَا سَابِقُ [فَائِقُ] یَا سَامِقُ

خداوندا! به نامت از تو خواهانم. ای خلق کننده. ای روزی دهنده. ای سخنور. ای راستگو. ای شکافنده. ای جداکننده حق از باطل. ای جداساز. ای پیونـد دهنـده . ای پیشـرو. ای برفراز.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۶۲

يَا مَنْ يُقَلِّبُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ يَا مَنْ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَ الْأَنْوَارَ يَا مَنْ خَلَقَ الظِّلَّ وَ الْحَرُورَ يَا مَنْ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ يَا مَنْ قَدَّرَ الْخَيْرَ وَ الشَّرَّ يَا مَنْ خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ

لا وَلَدا یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ یَا مَنْ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ

ای آنکه شب و روز را می گردانی. ای آنکه تـاریکی هـا و روشنایی ها را پدید آورده ای. ای آنکـه سـایه و آفتـاب را خلق نمودی. ای آنکه خورشید و ماه را فرمانبردار ساختی. ای آنکه خیـر و شـر را تقـدیر نمـودی. ای آنکـه مـرگ و زندگی را آفریدی. ای آنکه آفـرینش و کـار آن بـه دسـت توست. ای آنکه همنشین و فرزندی بر نگرفتـی. ای آنکـه شریکی در فرمانروائی ات نیست. ای آنکه از سـر نـاتوانی، یاوری برنگرفتی.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٦٣

يَا مَنْ يَعْلَمُ مُرَادَ الْمُرِيدِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ يَا مَنْ يَسْمَعُ أَنِينَ الْوَاهِنِينَ يَا مَنْ يَرَى بُكَاءَ الْخَائِفِينَ يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَقْبَلُ عُذْرَ التَّائِبِينَ يَا مَنْ لا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ يَا مَنْ لا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ يَا مَنْ لا يَبْعُدُ عَنْ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ

ای آنکه درخواست خواستاران را مـی دانـی. ای آنکـه از نهان خاموشان مطلعـی . ای آنکـه نالـه آزردگـان را مـی شنوی. ای آنکه گریه بیمناکان را می بینی. ای آنکـه نیـاز درخواست کنندگان در دست توست. ای آنکـه عـذر توبـه کنندگان را می پذیری. ای آنکه عمـل مفسـدان را موفـق نمی گردانی. ای آنکه پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کنی.

ای آنکه از دل عارفان دور نمی شوی. ای بخشـنده تـرین بخشندگان.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٦٤

يَا دَائِمَ الْبَقَاءِ يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ يَا وَاسِعَ الْعَطَاءِ يَا غَافِرَ الْخَطَاءِ يَا بَدِيعَ السَّمَاءِ يَا حَسَنَ الْبَلاءِ يَا جَمِيلَ الثَّنَاءِ يَا قَدِيمَ السَّنَاءِ يَا كَثِيرَ الْوَفَاءِ يَا شَرِيفَ الْجَزَاءِ

ای ماندگار همیشگی. ای شنوای دعـا. ای صـاحب عطـای گسترده. ای آمرزنده خطا. ای پدیـد آورنـده آسـمان . ای صاحب امتحان نیک. ای صاحب ستایش زیبا. ای صـاحب

درخشش دیرینه. ای صاحب وفـاداری بسـیار. ای صـاحب پاداش ارزشمند.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هـیچ خدایی جـز تـو نیسـت. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٦٥

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا سَتَّارُ یَا غَفَّارُ یَا قَهَّارُ یَا جَبَّارُ یَا صَبَّارُ یَا بَارُّ یَا مُخْتَارُ یَا فَتَّاحُ یَا نَفَّاحُ یَا مُرْتَاحُ

خداوندا! به نامت از تو خواهانم. ای پوشاننده. ای آمرزنـده. ای چیره دست. ای جبران کننده. ای شـکیبا. ای نکوکـار. ای صاحب اختیار. ای گشاینده. ای سود رسان. ای راحتی بخش.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٦٦

يَا مَنْ خَلَقَنِی وَ سَوَّانِی يَا مَنْ رَزَقَنِی وَ رَبَّانِی يَا مَنْ أَطْعَمَنِی وَ سَقَانِی يَا مَنْ قَرَّبَنِی وَ أَدْنَانِی يَا مَنْ عَصَمَنِی وَ كَفَانِی يَا مَنْ حَفِظَنِی وَ كَلانِی يَا مَنْ أَعَزَّنِی وَ أَغْنَانِی يَا مَنْ وَفَّقَنِی وَ هَدَانِی يَا مَنْ آنَسَنِی وَ آوَانِی يَا مَنْ أَمَاتَنِی وَ أَحْيَانِی

ای آنکه مرا آفریدی و آراستی. ای آنکه مرا روزی دادی و پروراندی. ای آنکه مرا اطعام کرده و سیراب نمودی. ای آنکه مرا نزدیک کردی و به خود پیوند دادی. ای آنکه مرا

نگاه داشتی و کفایت نمودی. ای آنکه مرا حفـظ کـردی و پشتیبانم شدی. ای آنکه مرا عزیـز گردانـدی و بـی نیـازم ساختی. ای آنکه مرا موفق نمـودی و هـدایتم کـردی. ای آنکه مراهمدم گشتی و پناهم دادی. ای آنکه مرا میراندی و زنده گرداندی.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هیچ خدایی جز تـو نیسـت. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٦٧

يَا مَنْ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ يَا مَنْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ يَا مَنْ لا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلا بِإِذْنِهِ يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ يَا مَنْ لا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ يَا مَنْ لا رَادَّ لِقَضَائِهِ يَا مَنِ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ

لِأَمْرِهِ يَا مَنِ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ يَا مَنْ يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرا بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِ

ای آنکه حق را با کلماتت تثبیت می کنی. ای آنکه توبـه بندگانت را پذیرا می شوی. ای آنکه میان آدمـی و قلـبش حائلی. ای آنکه شفاعت جز به اجازه اش سود نبخشـد. ای آنکه نسبت بدان که از راهت گمـراه شـده، آگـاهتری. ای آنکه فرمانت را هیچ کس توان به تأخیر انداختن ندارد. ای آنکه قضایت را هیچ کس توان بازگرداندن ندارد. ای آنکـه همه چیز به فرمانت گردن نهاده است. ای آنکه آسمان ها به دست تو در هم تنیده اند. ای آنکه بادها را بـه بشـارت رحمتت پیش می فرستی.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هیچ خدایی جز تـو نیسـت. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٦٨

يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ مِهَادا يَا مَنْ جَعَلَ الْجِبَالَ أَوْتَادا يَا مَنْ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجا يَا مَنْ جَعَلَ الْقَمَرَ نُورا يَا مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسا يَا مَنْ جَعَلَ النَّهَارَ مَعَاشا يَا مَنْ جَعَلَ النَّوْمَ سُبَاتا يَا مَنْ جَعَلَ السَّمَاءَ بِنَاءً يَا مَنْ جَعَلَ الْأَشْيَاءَ أَزْوَاجا يَا مَنْ جَعَلَ النَّارَ مِرْصَادا

ای آنکه زمین را گهـواره آرامـش قـرار داده ای. ای آنکـه کوه ها را چون میخ در آن کاشته ای. ای آنکه خورشید را چراغ فروزان گردانده ای. ای آنکه شب را لباسی پوشـنده قرار داده ای. ای آنکه روز را زمان طلـب معیشـت نمـوده ای. ای آنکه خواب را مایه آرامش آفریدی. ای آنکه آسمان را بـر افراشـتته ای. ای آنکـه هـر چیـزی را جفـت پدیـد آوردی. ای آنکه آتش را کمین گاه نموده ای.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۶۹

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا سَمِیعُ یَا شَفِیعُ یَا رَفِیعُ یَا مَنِیعُ یَا سَرِیعُ یَا بَدِیعُ یَا کَبِیرُ یَا قَدِیرُ یَا خَبِیرُ [مُنِیرُ] یَا مُجِیرُ

خداوندا! به نامت از تو خواهانم. ای شنوا. ای شفاعت کننده. ای بلند مرتبه. ای بازدارنده. ای سریع. ای پدیدآورنده. ای بزرگ. ای توانا. ای روشنگر. ای پناه بخش.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۷۰

يَا حَيّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِی لَيْسَ كَمِثْلِهِ حَيٌّ يَا حَيُّ الَّذِی لا يُشَارِكُهُ حَيٌّ يَا حَيُّ الَّذِی لا يَحْتَاجُ إِلَی حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِی يُمِيتُ كُلَّ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِی يَرْزُقُ كُلَّ حَيٍّ يَا حَيّا لَمْ يَرِثِ الْحَيَاةَ مِنْ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِی يُحْيِی الْمَوْتَی يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ

ای زنده ای که پیش از هر زنده ای بوده ای. ای زنـده ای که بعد از هر زنده ای هستی. ای زنده ای که چـون مثـل تو زنده ای نیست. ای زنده ای که هیچ زنـده ای شـریکت نمی باشـد. ای زنـده ای کـه بـه هـیچ زنـده ای نیازمنـد نیستی. ای زنده ای که زندگان را می میرانی. ای زنده ای که روزی هر زنده را میدهی. ای زنده ای که زنـدگی را از

هیچ زنده ای به ارث نبرده ای. ای زنده ای که مردگـان را زنده میگردانی.ای زنده ی پاینده، تو را هیچ خواب سـبک و سنگین فرا نمیگیرد.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۷۱

یَا مَنْ لَهُ ذِکْرٌ لا یُنْسَی یَا مَنْ لَهُ نُورٌ لا یُطْفَی یَا مَنْ لَهُ نِعَمٌ لا تُعَدُّ یَا مَنْ لَهُ مُلْکٌ لا یَزُولُ یَا مَنْ لَهُ ثَنَاءٌ لا یُحْصَی یَا مَنْ لَهُ جَلالٌ لا یُکَیَّفُ یَا مَنْ لَهُ کَمَالٌ لا یُدْرَکُ یَا مَنْ لَهُ قَضَاءٌ لا یُرَدُّ یَا مَنْ لَهُ صِفَاتٌ لا تُبَدَّلُ یَا مَنْ لَهُ نُعُوتٌلاتُغَیَّرُ

ای آنکه تو را ذکری است که فرامـوش نشـدنی اسـت. ای آنکه تو را نوری است که خاموش نشدنی است. ای آنکه تو را نعمت هایی است که به شمارش در نیاید . ای آنکـه تـو را فرمانروائی ای است که زوال ناپذیر است. ای آنکه تـو را ستایشی است که اندازه اش نتوان گرفـت . ای آنکـه تـورا شکوهی است که در فهم نگنجـد. ای آنکـه تـو را کمـالی است که ادراک نشود. ای آنکه تو را قضایی است کـه بـاز پس نگـردد. ای آنکـه تـو را صـفاتی اسـت کـه دگرگـون نشود.ای آنکه تو را ویژگی است که تغییرنپذیرد.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هیچ خدایی جز تـو نیسـت. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

٧٢

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا مَالِکَ يَوْمِ الدِّينِ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ يَا ظَهْرَ اللاجِينَ يَا مُدْرِکَ الْهَارِبِينَ يَا مَنْ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ يَا مَنْ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

ای پروردگـار جهانیـان. ای مالـک روز جـزا. ای نهایـت خواسـته جوینـدگان. ای پشـتیبان پنـاه آورنـدگان. ای دریابنده گریختگان. ای آنکه صـبر پیشـه گـان را دوسـت داری. ای آنکه توبـه کننـدگان را دوسـت داری. ای آنکـه پاک شدگانرا دوست داری. ای آنکه نیکو کاران را دوسـت داری. ای آنکه به هدایت شدگان، آگاهتری.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۷۳

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا شَفِیقُ یَا رَفِیقُ یَا حَفِیظُ یَا مُحِیطُ یَا مُقِیتُ یَا مُغِیثُ یَا مُعِزُّ یَا مُذِلُّ یَا مُبْدِئُ یَا مُعِیدُ

خداوندا! به نامت از تو خواهانم. ای دلسوز. ای رفیق. ای نگاهدار. ای فراگیر. ای توان بخش. ای فریادرس. ای عزت دهنده . ای خوارکننده. ای آغازکننده. ای بازگرداننده.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۷٤

يَا مَنْ هُوَ أَحَدٌ بِلا ضِدٍّ يَا مَنْ هُوَ فَرْدٌ بِلا نِدٍّ يَا مَنْ هُوَ صَمَدٌ بِلا عَيْبٍ يَا مَنْ هُوَ وِتْرٌ بِلا كَيْفٍ يَا مَنْ هُوَ قَاضٍ بِلا حَيْفٍ يَا مَنْ هُوَ رَبٌّ بِلا وَزِيرٍ يَا مَنْ هُوَ عَزِيزٌ بِلا ذُلٍّ يَا مَنْ هُوَ غَنِيٌّ بِلا فَقْرٍ يَا مَنْ هُوَ مَلِكٌ بِلا عَزْلٍ يَا مَنْ هُوَ مَوْصُوفٌ بِلا شَبِيهٍ

ای آنکه یگانه بی رقیبی. ای آنکـه فـرد بـی همتـایی. ای آنکه کامل بی عیبی. ای آنکه تنهای بـی چـونی. ای آنکـه قاضی بی ستمی. ای آنکه پروردگار بی همکاری. ای آنکـه عزیز بی ذلتـی. ای آنکـه بـی نیازنـا تنگدسـتی. ای آنکـه پادشاه بلاعزلی. ای آنکه موصوف بی مانندی.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۷۵

يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ يَا مَنْ حَمْدُهُ عِزٌّ لِلْحَامِدِينَ يَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِينَ يَا مَنْ سَبِيلُهُ وَاضِحٌ لِلْمُنِيبِينَ يَا مَنْ آيَاتُهُ بُرْهَانٌ لِلنَّاظِرِينَ يَا مَنْ كِتَابُهُ تَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ يَا مَنْ رِزْقُهُ عُمُومٌ لِلطَّائِعِينَ وَ الْعَاصِينَ يَا مَنْ رَحْمَتُهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

ای آنکه ذکر تو آبروی ذاکـرین اسـت. ای آنکـه شـکر تـو پیروزی شاکرین است. ای آنکه ستایش تو، عزت سـتایش

کننـــدگان اســـت.ای انکـــه فرمـــانبرداری ات، نجـــات فرمانبرداران است. ای آنکه در خانه ات بر روی خواستاران باز است. ای آنکه راهت برای بازگشتگان روشن اسـت. ای آنکـه آیاتـت، برهـان مشـاهده کننـدگان اسـت. ای آنکـه کتابت، پنـدآموز پرهیـز کـاران اسـت. ای آنکـه روزی ات فرمانبرداران و عاصیان را شامل می شود. ای آنکه رحمتت بر نیکوکاران نزدیک است.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۷٦

يَا مَنْ تَبَارَکَ اسْمُهُ يَا مَنْ تَعَالَى جَدُّهُ يَا مَنْ لا إِلَهَ غَيْرُهُ

يَا مَنْ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَا مَنْ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ يَا مَنْ يَدُومُ

بَقَاؤُهُ يَا مَنِ الْعَظَمَةُ بَهَاؤُهُ يَا مَنِ الْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُهُ يَا مَنْ لا تُحْصَى آلاؤُهُ يَا مَنْ لا تُعَدُّ نَعْمَاؤُهُ

ای آنکه نامت با برکت است. ای که جایگاهت بلند مرتبه است. ایکـه خـدایی جـز تـو نیسـت. ای کـه سـتایش ات شکوهمند است. ای که نـام هایـت مقـدس انـد. ای آنکـه بقایت همیشگی است. ای آنکه بزرگـی، جلـوۀ توسـت. ای که گرانمایگی ردای توست. ای آنکـه عطاهایـت را انـدازه نتوان گرفت. ای آنکه نعمت هایت را شمارش نتوان کرد.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۷۷

اللَّهُمَّ إِنِّی أسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا مُعِینُ یَا أَمِینُ یَا مُبِینُ یَا مَتِینُ یَا مَکِینُ یَا رَشِیدُ یَا حَمِیدُ یَا مَجِیدُ یَا شَدِیدُ یَا شَهِیدُ

خداوندا! از تو به نامـت خواهـانم. ای کمـک کننـده. ای امـین. ای روشـنگر. ای دارا. ای راهنمـا . ای اسـتوار. ای ستوده. ای باشکوه. ای نیرومند. ای گواه.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۷۸

يَا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ يَا ذَا الْقَوْلِ السَّدِيدِ يَا ذَا الْفِعْلِ الرَّشِيدِ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ يَا ذَا الْوَعْدِ وَ الْوَعِيدِ يَا مَنْ هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ يَا مَنْ هُوَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ يَا مَنْ هُوَ قَرِيبٌ غَيْرُ بَعِيدٍ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ يَا مَنْ هُوَ لَيْسَ بِظَلامٍ لِلْعَبِيدِ

ای صاحب عرش با شکوه. ای صاحب گفتار نیرومند. ای صاحب کردار استوار. ای صاحب مجازات شدید. ای صاحب وعده و وعید. ای آنکه سرپرستی ستودهای. ای که آنچه بخواهی انجام میدهی. ای آنکه نزدیکی و دور نیستی. ای آنکه بر هر چیزی گواهی. ای آنکه نسبت به بندگانت ظلم روا نمی داری.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.
فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۷۹

یَا مَنْ لا شَرِیکَ لَهُ وَ لا وَزِیرَ یَا مَنْ لا شَبِیهَ [شِبْهَ] لَهُ وَ لا نَظِیرَ یَا خَالِقَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ الْمُنِیرِ یَا مُغْنِیَ الْبَائِسِ الْفَقِیرِ یَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِیرِ یَا رَاحِمَ الشَّیْخِ الْکَبِیرِ یَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْکَسِیرِ یَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِیرِ یَا مَنْ هُوَ بِعِبَادِهِ خَبِیرٌ بَصِیرٌ یَا مَنْ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

ای آنکه نـه شـریک داری و نـه مسـاعدی. ای آنکـه نـه شبیهی داری و نه مانندی. ای آفریننـده خورشـید و مـاه تابان. ای بی نیاز کنندهٔ فقیر بـی چیـز. ای روزی دهنـدهٔ

طفل صغیر. ای رحم کننده به پیر کهـن سـال. ای پیونـد زنندهٔ استخوان شکسته. ای نگهدارندهٔ پنـاهجوی ترسـان. ای آنکه نسبت به بندگانت آگاه و بیداری. ای آنکه بر هـر کاری توانایی.

[پاکی سزاوار توست . ای کـه هـیچ خدایی جـز تـو نیسـت.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۸۰

يَا ذَا الْجُودِ وَ النِّعَمِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَ الْكَرَمِ يَا خَالِقَ اللَّوْحِ وَ الْقَلَمِ يَا بَارِئَ الذَّرِّ وَ النَّسَمِ يَا ذَا الْبَأْسِ وَ النِّقَمِ يَا مُلْهِمَ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَ الْأَلَمِ يَا عَالِمَ السِّرِّ وَ الْهِمَمِ يَا رَبَّ الْبَيْتِ وَ الْحَرَمِ يَا مَنْ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنَ الْعَدَمِ

ای دارای بخشندگی و نعمت. ای دارای فزونـی و کرامـت. ای آفرینندهٔ لوح و قلم. ای پدیـد آورنـدهٔ دانـه و بـاد. ای دارای سختی ونقمت . ای الهام بخـش عـرب و عجـم. ای برطرف کنندهٔ زیان و درد. ای دانای نهان هـا و قصـد هـا. ای پروردگار کعبه و حرم. ای آفریننده چیزها از عدم.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۸۱

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا فَاعِلُ یَا جَاعِلُ یَا قَابِلُ یَا کَامِلُ یَا فَاصِلُ یَا وَاصِلُ یَا عَادِلُ یَا غَالِبُ یَا طَالِبُ یَا وَاهِبُ

خداوندا! بـه نامـت از تـو خواهـانم. ای انجـام دهنـده. ای پدیدآورنده. ای پذیرنده. ای کامل. ای جداسـاز. ای وصـل کننــده . ای عــادل. ای چیــره دســت. ای خواســتار. ای بخشش گر.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۸۲

يَا مَنْ أَنْعَمَ بِطَوْلِهِ يَا مَنْ أَكْرَمَ بِجُودِهِ يَا مَنْ جَادَ بِلُطْفِهِ يَا مَنْ تَعَزَّزَ بِقُدْرَتِهِ يَا مَنْ قَدَّرَ بِحِكْمَتِهِ يَا مَنْ حَكَمَ بِتَدْبِيرِهِ يَا مَنْ دَبَّرَ بِعِلْمِهِ يَا مَنْ تَجَاوَزَ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ دَنَا فِي عُلُوِّهِ يَا مَنْ عَلا فِي دُنُوِّهِ

ای آنکه از سـر تـوانگری نعمـت مـی دهـی. ای آنکـه بـا بخششت، کرامت می کنی. ای آنکـه از سـر مهربـانی مـی بخشی. ای آنکه از سر نیرومندی، عزت می دهی. ای آنکه بر اساس حکمتت تقدیر می کنی. ای آنکه از سـر تـدبیر، فرمان می رانی. ای آنکه با دانشـت تـدبیر مـی کنـی. ای آنکه از سر بردباری، مـی گـذری. ای آنکـه بـا تمـام بلنـد مرتبه گی ات، نزدیکی. و با اینکه نزدیکی، بلند مرتبه ای.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۸۳

يَا مَنْ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ يَا مَنْ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ

يَا مَنْ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يُعِزُّ مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يُذِلُّ مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يُصَوِّرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ يَا مَنْ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِمَنْ يَشَاءُ

ای آنکه هر چه بخواهی خلق می کنی. ای آنکه هـر چـه بخواهی انجام میدهی. ای آنکه هر که را بخـواهی هـدایت می کنی. ای آنکه هـر کـه را بخـواهی در گمراهـی مـی گذاری . ای آنکه هر که را بخواهی مجازات می کنـی. ای آنکه هر که را بخواهی مـی آمـرزی. ای آنکـه هـر کـه را بخواهی عزت می دهی. ای آنکه هر که را بخـواهی خـوار می کنی. ای آنکه هر چه بخواهی در رحم ها می نگـاری. ای آنکه هر که را بخواهی به رحمتت اختصاص می دهی.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۸٤

يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لا وَلَدا يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرا يَا مَنْ لا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدا يَا مَنْ جَعَلَ [مِنَ الْمَلائِكَةِ] الْمَلائِكَةَ رُسُلا يَا مَنْ جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجا يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارا يَا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرا يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمَدا يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْما يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدا

ای که همسر و فرزندی بر نگرفته ای. ای کـه بـرای همـه چیز اندازه قرار داده ای. ای که هـیچ کـس در فرمـانرویی ات با تو شریک نیست. ای که فرشـتگان را رسـولان قـرار داده ای. ای که در آسمان ها دژها نهاده ای. ای که زمین را محل آرامـش سـاخته ای. ای کـه بشـر را از آب خلـق نموده ای. ای که برای همه چیز سرآمدی تعیین کرده ای.

ای که دانشت بر هر چیزی احاطه دارد. ای که شمار همه چیز را می دانی.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۸۵

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا أَوَّلُ یَا آخِرُ یَا ظَاهِرُ یَا بَاطِنُ یَا بَرُّ یَا حَقُّ یَا فَرْدُ یَا وِتْرُ یَا صَمَدُ یَا سَرْمَدُ

خداوندا! به نامت از تو خواهانم. ای سـرآغاز. ای سـرانجام. ای برون. ای درون. ای نیکوکار. ای حق. ای تنها. ای یکتا. ای بی نیاز. ای پایان نا پذیر.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۸٦

يَا خَيْرَ مَعْرُوفٍ عُرِفَ يَا أَفْضَلَ مَعْبُودٍ عُبِدَ يَا أَجَلَّ مَشْكُورٍ شُكِرَ يَا أَعَزَّ مَذْكُورٍ ذُكِرَ يَا أَعْلَى مَحْمُودٍ حُمِدَ يَا أَقْدَمَ مَوْجُودٍ طُلِبَ يَا أَرْفَعَ مَوْصُوفٍ وُصِفَ يَا أَكْبَرَ مَقْصُودٍ قُصِدَ يَا أَكْرَمَ مَسْئُولٍ سُئِلَ يَا أَشْرَفَ مَحْبُوبٍ عُلِمَ

ای بهترین ناموری که شـناخته شـده اسـت. ای بهتـرین معبودی که پرسـتیده شـده اسـت. ای شـکوهمند تـرین سپاس قرار گرفته ای که سپاسش گفته اند. ای عزیزترین

یاد شده ای که یادش کرده اند. ای والا تـرین سـتوده ای که سـتوده شـده اسـت. ای دیرینـه تـرین موجـودی کـه خواسته شده است. ای بالا ترین موصـوفی کـه بـه وصـف آمده است. ای بزرگترین مقصودی که قصد شده است. ای کریم ترین مسئولی کـه از او درخواسـت شـده اسـت. ای شریفترین محبوبی که شناخته شده است.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۸۷

يَا حَبِيبَ الْبَاكِينَ يَا سَيِّدَ الْمُتَوَكِّلِينَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَنِيسَ الذَّاكِرِينَ يَا مَفْزَعَ الْمَلْهُوفِينَ يَا

مُنْجِیَ الصَّادِقِینَ یَا أَقْدَرَ الْقَادِرِینَ یَا أَعْلَمَ الْعَالِمِینَ یَا إِلَهَ الْخَلْقِ أَجْمَعِینَ

ای دوست گریه کنندگان. ای سَروَر توکـل کننـدگان. ای هـدایت کننـده گمراهـان. ای سرپرسـت اهـل ایمـان. ای همدم یاد کنندگان. ای پناه غم زدگان. ای نجـات بخـش راستگویان. ای تواناترین توانایان.ای دانـاترین دانایـان. ای خدای همه مخلوقات.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۸۸

یَا مَنْ عَلا فَقَهَرَ یَا مَنْ مَلَکَ فَقَدَرَ یَا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ یَا مَنْ عُبِدَ فَشَکَرَ یَا مَنْ عُصِیَ فَغَفَرَ یَا مَنْ لا تَحْوِیهِ الْفِکَرُ

يَا مَنْ لا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ يَا مَنْ لا يَخْفَى عَلَيْهِ أَثَرٌ يَا رَازِقَ الْبَشَرِ يَا مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ

ای آنکه بر فرازآیی و چیره شوی. ای آنکه پادشاهی کنی و قدرت بنمایی. ای آنکه به باطن شوی و با خبـر گـردی. ای آنکه پرستیده شوی و قدردانی کنی.ای آنکه نا فرمـانی شوی و درگذری. ای که اندیشه بر تو احاطه نیابد. ای که دیده تو را در نیابد. ای که هیچ ردّی از تو پنهان نگردد.ای روزی دهنده بشر. ای مقدّر کنندهٔ هر سرنوشت.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۸۹

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ يَا حَافِظُ يَا بَارِئُ يَـا ذَارِئُ يَـا

بَاذِخُ يَا فَارِجُ يَا فَاتِحُ يَا كَاشِفُ يَا ضَامِنُ يَا آمِرُ يَا نَـاهِي

خداوندا! به نامت از تو خواهانم. ای نگاهدار. ای آفریدگار. ای هستی بخش. ای سرافراز. ای شـکافنده. ای گشـاینده. ای بر طرف کننده . ای ضـامن. ای امـر کننـده. ای نهـی کننده.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۹۰

يَا مَنْ لا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلا هُوَ يَا مَنْ لا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلا هُوَ يَا مَنْ لا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلا هُوَ يَا مَنْ لا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلا هُوَ يَا مَنْ لا يُتِمُّ النِّعْمَةَ إِلا هُوَ يَا مَنْ لا يُقَلِّبُ الْقُلُوبَ إِلا هُوَ يَا مَنْ لا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ إِلا هُوَ يَا مَنْ لا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ إِلا

هُوَ يَا مَنْ لا يَبْسُطُ الرِّزْقَ إِلا هُوَ يَا مَنْ لا يُحْيِي الْمَوْتَى إِلا هُوَ

ای آنکه جز تو کسی از غیب آگـاه نیسـت. ای آنکـه جـز توکسی توان باز گرداندن بدی را نـدارد. ای آنکـه جـز تـو کسی آفرینش نتواند کرد. ای آنکه جز تـو کسـی گنـاه را نبخشد. ای آنکه جز تو کسی نعمت تمام ندهد. ای آنکـه جز تو کسی قلبها را دگرگون نکند. ای آنکه جز تو کسـی آفرینش را تدبیر نکند. ای آنکه جز تو کسی باران رحمـت را فرو نبارد. ای آنکه جز تـو،روزی را گسـترش ندهـد. ای آنکه جز تو کسی مردگان را زنده نگرداند.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۹۱

يَا مُعِينَ الضُّعَفَاءِ يَا صَاحِبَ الْغُرَبَاءِ يَا نَاصِرَ الْأَوْلِيَاءِ يَا قَاهِرَ الْأَعْدَاءِ يَا رَافِعَ السَّمَاءِ يَا أَنِيسَ الْأَصْفِيَاءِ يَا حَبِيبَ الْأَتْقِيَاءِ يَا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ يَا إِلَهَ الْأَغْنِيَاءِ يَا أَكْرَمَ الْكُرَمَاءِ

ای یـــاور ضـــعیفان. ای همنشـــین غریبـــان. ای یـــاریگر دوستان. ای مسلط بر دشمنان. ای رفعت دهندهٔ آســمان. ای مونس برگزیـدگان. ای دوسـت پرهیزگـاران. ای گـنج فقرا. ای خدای بی نیازان. ای کریم ترین کریمان.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۹۲

يَا كَافِيا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَا قَائِما عَلَى كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ لا يُشْبِهُهُ شَيْءٌ يَا مَنْ لا يَزِيدُ فِي مُلْكِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لا يَنْقُصُ مِنْ خَزَائِنِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ لا يَعْزُبُ عَنْ عِلْمِهِ شَيْءٌ يَا مَنْ هُوَ خَبِيرٌ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ وَسِعَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَيْءٍ

ای آنکه در برابر همه چیز، بس باشی. ای آنکه بر همه چیز مسلط باشی. ای آنکه هیچ چیز شبیه تو نیست. ای آنکه هیچ چیز به حوزه فرمانروائی ات نیفزاید. ای آنکه هیچ چیز بر تو پوشیده نیست. ای آنکه هیچ چیز از گنجینه هایت نکاهد. ای آنکه هیچ چیز چون مثل تو نیست. ای آنکه هیچ چیز از حوزه دانشت پنهان نیست.

ای آنکه بر هر چیزی آگاهی. ای آنکه رحمتت همه چیز را فرا گرفته است.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۹۳

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا مُکْرِمُ یَا مُطْعِمُ یَا مُنْعِمُ یَا مُعْطِی یَا مُغْنِی یَا مُقْنِی یَا مُفْنِی یَا مُحْیِی یَا مُرْضِی یَا مُنْجِی

خداوندا ! به نامت از تو خواهانم . ای گرامی دار . ای اطعام کننده . ای نعمت دهنده . ای عطا کننده . ای بی نیاز کننده . ای توانگر کننده . ای نابود کننده . ای زنده کننده ای خشنود کننده . ای نجات دهنده .

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۹٤

يَا أَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ آخِرَهُ يَا إِلَـهَ كُـلِّ شَـيْءٍ وَ مَلِيكَـهُ يَـا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَ صَانِعَهُ يَا بَـارِئَ كُـلِّ شَـيْءٍ وَ خَالِقَـهُ يَـا قَابِضَ كُلِّ شَيْءٍ وَ بَاسِطَهُ يَا مُبْدِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُعِيدَهُ يَـا مُنْشِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُقَدِّرَهُ يَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُحَوِّلَهُ يَا مُحْيِيَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُمِيتَـهُ يَـا خَـالِقَ كُـلِّ شَـيْءٍ وَ وَارِثَـهُ

ای سر آغاز هر چیز و سر انجامش. ای خـدای هـر چیـز و دارائیش. ای پروردگار هـر چیـز و سـازنده اش. ای پدیـد آورنده هر چیز و خالقش. ای تنگ گیرنده بر همه چیـز و گشایش دهنده اش. ای آغازگر هر چیز و بازگرداننده اش. ای ایجاد کننده همه چیز و تقدیر کننـده اش. ای بوجـود

آورنده همه چیز و دگرگون کننـده اش. ای زنـده کننـده همه چیز و میراننده اش. ای خـالق همـه چیـز و میـراث بَرَش.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۹۵

يَا خَيْرَ ذَاكِرٍ وَ مَذْكُورٍ يَا خَيْرَ شَاكِرٍ وَ مَشْكُورٍ يَا خَيْرَ حَامِدٍ وَ مَحْمُودٍ يَا خَيْرَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ يَا خَيْرَ دَاعٍ وَ مَدْعُوٍّ يَا خَيْرَ مُجِيبٍ وَ مُجَابٍ يَا خَيْرَ مُونِسٍ وَ أَنِيسٍ يَاخَيْرَ صَاحِبٍ وَ جَلِيسٍ يَا خَيْرَ مَقْصُودٍ وَ مَطْلُوبٍ يَا خَيْرَ حَبِيبٍ وَ مَحْبُوبٍ

ای بهترین یاد کننده و یاد شده. ای بهترین سپاسـگزار و سپاسگزاری شده. ای بهترین ستایشگرو ستایش شده. ای بهترین گواه و گواهی شـده. ای بهتـرین دعـوت کننـده و دعوت شده. ای بهترین اجابت کننـده و اجابـت شـده. ای بهترین انیس و مونس. ای بهترین همـراه و همنشـین. ای بهترین مقصود و خواسته. ای بهترین دوست و محبوب.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۹۶

يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ مُجِيبٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَطَاعَهُ حَبِيبٌ يَا مَنْ هُوَ إِلَى مَنْ أَحَبَّهُ قَرِيبٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنِ اسْتَحْفَظَهُ رَقِيبٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ

حَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ رَحِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي إِحْسَانِهِ قَدِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ أَرَادَهُ عَلِيمٌ

ای آنکه پاسخگوی کسی هستی که تو را بخواند. ای آنکـه دوست کسی هستی که از تو اطاعت کند. ای آنکه نزدیک کسی هستی که تو را دوست بدارد. ای آنکه مراقب کسـی هستی که از تو حفاظت طلبد. ای آنکه بخشنده به کسی هستی که به تو امید داشته باشد. ای آنکه بردباری نسبت به آن کس که نا فرمـانی کنـد. ای کـه در بزرگـی ات بـا رحمتی. ای که در نیکو کاری، دیرینه ای. ای کـه نسـبت به آنکه تو را بخواهد آگاهی.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۹۷

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا مُسَبِّبُ یَا مُرَغِّبُ یَا مُقَلِّبُ یَا مُعَقِّبُ یَا مُرَتِّبُ یَا مُخَوِّفُ یَا مُحَذِّرُ یَا مُذَکِّرُ یَا مُسَخِّرُ یَا مُغَیِّرُ

خداوندا! به نامت از تو خواهانم. ای سبب ساز. ای شوق برانگیز. ای دگرگون کننده. ای پی گیر. ای آراسته کننده.ای بیم انگیز. ای هشدار دهنده. ای یادآوری کننده . ای تسخیر کننده . ای تغییر دهنده .

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۹۸

يَا مَنْ عِلْمُهُ سَابِقٌ يَا مَنْ وَعْدُهُ صَادِقٌ يَا مَنْ لُطْفُهُ ظَاهِرٌ يَا مَنْ أَمْرُهُ غَالِبٌ يَا مَنْ كِتَابُهُ مُحْكَمٌ يَا مَنْ قَضَاؤُهُ كَائِنٌ يَا مَنْ قُرْآنُهُ مَجِيدٌ يَا مَنْ مُلْكُهُ قَدِيمٌ يَا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ يَا مَنْ عَرْشُهُ عَظِيمٌ

ای که دانشت دیرینه است. ای که وعده ات راست اسـت. ای که لطفت نمایان است. ای که فرمانت نافـذ اسـت. ای که کتابت استوار است. ای که قضاءت انجام شدنی اسـت. ای که قرآنت با شکوه است. ای که پادشـاهی ات دیرینـه است. ای که بخشندگی ات عمـومی اسـت. ای کـه حـوزه فرمانروائی ات بزرگ است.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست. فریاد . فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۹۹

يَا مَنْ لا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يَا مَنْ لا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ عَنْ فِعْلٍ يَا مَنْ لا يُلْهِيهِ قَوْلٌ عَنْ قَوْلٍ يَا مَنْ لا يُغَلِّطُهُ سُؤَالٌ عَنْ سُؤَالٍ يَا مَنْ لا يَحْجُبُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ يَا مَنْ لا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ يَا مَنْ هُوَ غَايَةُ مُرَادِ الْمُرِيدِينَ يَامَنْ هُوَ مُنْتَهَى هِمَمِ الْعَارِفِينَ يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى طَلَبِ الطَّالِبِينَ يَا مَنْ لا يَخْفَى عَلَيْهِ ذَرَّةٌ فِي الْعَالَمِينَ

ای که گوش سپاریت به سخنی ، تو را از سخنی دیگر باز نمی دارد. ای که انجام کاری، تو را از پرداختن به کـاری

دیگر باز نمی دارد. ای آنکه سخنی تـو را از فهـمِ سـخن دیگـر نـا هشـیار نمـی کنـد. ای کـه درخواسـتی تـورا از درخواستی دیگر، باز نمیدارد. ای که چیزی تـو را از چیـز دیگر غافل نمی کند. ای آنکه اصرار درخواسـت کننـدگان به ستوهت نمی آورد. ای نهایت خواسـته خواسـتاران. ای نهایت همت عارفان. ای نهایت خـواهش طلـب کننـدگان. ای کـه وجـود ذرّه ای در میـان جهانیـان از تـو پوشـیده نیست.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

۱۰۰

یَا حَلِیما لا یَعْجَلُ یَا جَوَادا لا یَبْخَلُ یَا صَادِقا لا یُخْلِفُ یَا وَهَّابا لا یَمَلُّ یَا قَاهِرا لا یُغْلَـبُ یَـا عَظِیمـا لا یُوصَـفُ یَـا

عَدْلا لا يَحِيفُ يَا غَنِيّا لا يَفْتَقِرُ يَا كَبِيرا لا يَصْغُرُ يَا حَافِظا لا يَغْفُـلُ سُـبْحَانَکَ يَـا لا إِلَـهَ إِلا أَنْـتَ الْغَـوْثَ الْغَـوْثَ خَلِّصْـــــــنَا مِـــــــنَ النَّـــــــارِ يَـــــــا رَبِّ

ای بردباری که به عذاب شتاب نکنی . ای بخشنده ای که بخل نورزی. ای راستگویی که از وعـده تخلـف نکنـی. ای بخششکاری که خسته نشوی. ای چیـره ای کـه شکسـت نپذیری. ای بزرگی که به وصف نیایی. ای عدالت پیشه ای که ستم نکنی. ای بی نیازی که فقیر نگـردی. ای بزرگـی که کوچک نشوی. ای نگاهبانی که نا هشیار نشوی.

[پاکی سزاوار توست . ای که هیچ خدایی جز تو نیست.

فریاد. فریاد . یا ربّ ! ما را از این آتش رهائی بخش.]

ای دارای شکوه و ارجمندی. ای مهربانترین مهربانان